

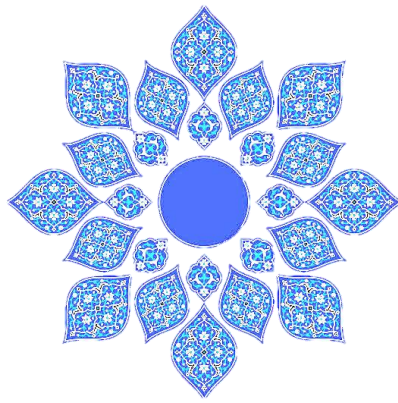


حضور زن در رسانه‌ها

دکتر حذیفه عکاش

مولوی عبدالوراء قیومی

الحمد لله رب العالمين



حضور زن در رسانه‌ها

ترجمه: مولوی عبدالوراء قیومی

شناسنامه کتاب

- نویسنده: دکتر حذیفه عکاش
- مترجم: عبدالوراء قیومی
- عنوان: حضور زن در رسانه‌ها
- تاریخ: تابستان ۱۴۰۴
- برگه‌ها: ۶۱

تمامی حقوق این اثر برای نویسنده محفوظ است هرگونه استفاده تجاری از این اثر یا تکثیر آن کلاً و جزئاً به هر صورت (چاپ، فوتوکاپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب نویسنده ممنوع است.

فهرست مطالب

موضوع	صفحه
پیشگفتار	۷
مبحث اول: حدود عورت زن، پوشش و صدای او	۱۳
مطلب اول: ضوابط شرعی مربوط به عورت زن	۱۴
نخست: دستور فرو گذاشتن چشم و حرمت نگاه کردن به عورت‌ها	۱۴
دستور به فرو بستن نگاه	۱۴
حرمت نگاه به عورت‌ها	۱۶
دیدگاه‌های فقها در خصوص محدوده عورت زن در برابر نامحرمان	۱۸
دیدگاه اول	۱۸
دیدگاه دوم	۱۹
دیدگاه سوم	۱۹
مستندات دیدگاه‌ها	۱۹
مستندات دیدگاه اول	۱۹
مستندات دیدگاه دوم	۲۵
مستندات دیدگاه سوم	۲۶

۲۹.....	ترجیح
۳۰.....	مطلب دوم: دساتیر شرعی در مورد لباس زن در حضور بیگانگان
۳۸.....	مطلب سوم: ضوابط شرعی در مورد صدای زن
۴۱.....	مبحث دوم: حضور اجتماعی زن در ارتباط با نامحرمان
۴۲.....	مطلب اول: ضوابط اختلاط زن با نامحرمان
۴۵.....	مطلب دوم: حکم خلوت با مرد نامحرم
۴۷.....	مطلب سوم: ضوابط شرعی سفر زن
۵۰.....	مبحث سوم: اشتغال زن و فعالیت او در رسانه‌های دیداری
۵۱.....	مطلب اول: ضوابط شرعی خروج زن برای کار
۵۵.....	مطلب دوم: ضوابط شرعی برای فعالیت زن در رسانه‌های دیداری

پش گفتار

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على رسولنا وحبیبنا محمد وعلی آله و صحبه اجمعین و بعد:

فعالیت در رسانه‌های دیداری یکی از حوزه‌های شغلی نوین در جهان معاصر است. این حوزه به دلیل پیچیدگی‌های تولید محتوا و نیاز به کیفیت بالای برنامه‌ها، با نیاز فزاینده‌ای به تیم‌های کاری تخصصی مواجه است، زیرا فعالیت در این عرصه مستلزم حضور گروه‌های متنوعی در زمینه‌هایی همچون تهیه، ویرایش، هماهنگی، کارگردانی و دیگر بخش‌های مرتبط است.

زنان در سراسر جهان به سرعت وارد این حوزه شغلی شده‌اند، و هنگامی که آنان به‌ویژه در عرصه رسانه‌های دیداری حضور یافتند، ناچار شدند تا از تعداد بی‌شماری از خواست‌های خود درگذرند.

نخست اینکه از خانه‌های‌شان به دور ماندند و اگر ازدواج کرده بودند نتوانستند به امور فرزندان‌شان رسیدگی کنند، رفته‌رفته با مردان یکجا شده و خلوت گزیدند، و سپس از آن‌ها در تهیه برنامه‌ها، سریال‌ها و فیلم‌ها استفاده بد صورت گرفت، و به دنبال آن، این استفاده‌های ناشایست با ایفای نقش‌های پست و کثیف ادامه یافت.

برای بهره‌کشی و استفاده‌جویی از زن همین کافی است که آرایش‌گران آنگونه که می‌خواهند با چهره‌وی بازی کرده و دست خویش را به قربانگاه او دراز می‌کنند و کار به اینجا هم پایان نمی‌یابد بلکه برای ستاره‌شدن مجبور است که از تمام غرور زنانگی خویش تنازل کند تا بتواند به این مقام و جایگاه برسد.

رشته بهره‌کشی از پاکیزگی زنانگی و ارزش‌های آن ادامه می‌یابد، تا آنجا که وقتی نشانه‌های گذر زمان و پیری در چهره آن زن نمایان می‌شود، به جراحی‌های زیبایی و ترمیم‌های جراحان روی می‌آورد، بعد از عمل جراحی، ناگهان جای خود را به زن دیگر که شباهت بیشتری به او دارد می‌سپارد، و ابن چرخه هم‌چنان بر زنان دیگر تکرار می‌شود. از برجسته‌ترین مستندات شتاب در به‌کارگیری زنان در رسانه‌ها، پایین بودن دستمزد آن‌ها از یک‌سو، و از طرف دیگر، این باور است که حضور آن‌ها با صدا و تصویرشان «جذابیتی» ایجاد می‌کند که شمار زیادی از شنوندگان و بینندگان را جذب می‌نماید؛ و این مسئله باعث شده که زنان مورد توجه و استقبال مدیریت رسانه‌ها قرار گیرند!

هرازگاهی خود رسانه‌ها ما را با مجموعه‌ای از رسوایی‌ها که باعث شرمساری انسان‌های آزاده است، آگاه می‌کنند و بسیاری از آن‌ها نیز به‌طور کامل از دید عموم پنهان می‌مانند. سرزمین‌های اسلامی نیز از درخواست‌های پی در پی مشارکت و سهم‌گیری زنان در رسانه‌ها در امان نمانده‌اند، و این دعوت‌ها برای کشاندن زنان مسلمان و قانع‌کردن آن‌ها و قانع‌کردن جوامع مسلمانان به عدم شرمساری در مشارکت آنان به‌صورت تدریجی بوده است.

درخواست حضور و سهم‌گیری زنان در رسانه‌های شنیداری و دیداری در ابتدا برای این بود تا مسؤولیت نوشتن مطالب در دفاتر مستقل را به دوش گیرند، سپس از آنان خواسته شد که تنها با صدای‌شان سهم بگیرند، و استدلال کردند که صدای زنان عورت نیست.. و این گام‌ها به تدریج ادامه دارد.

زن در ابتدا در حالی وارد استدیوم‌های رادیوها شد که هیچ مردی با وی در پیشبرد برنامه همراه نبود، بلکه برای وی برنامه ویژه اختصاص داده شده بود که مرتبط با خانواده و کودکان بود، لباسش مناسب بود، موهایش را می‌پوشاند، و از زیاده‌روی در آرایش و

استفاده از وسایل آن دوری می‌جست، سپس اوضاع پیشرفت کرد، در ارائه برنامه با مرد همراه شده آشکارا با همکارش شوخی می‌کرد، تماس‌های مردان شنونده را پاسخ می‌داد، اما آنچه که در پشت صحنه اتفاق می‌افتاد ناگفتنی و بسیار است.^۱

به تدریج شرایط به گونه‌ای پیش رفت که زنان در تمامی برنامه‌های کاری حضور یافتند و به اجرای اخبار در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و ورزشی پرداختند، این روند، نیازمند اقداماتی بود که آن‌ها را وادار می‌کرد پس از آن‌که چهره‌شان زیر دست آرایشگر دگرگون می‌شد، آراسته و بی‌حجاب در برابر مردم ظاهر شوند؛ چه رسد به سفرهای او که به خارج و داخل صورت می‌گرفت.

و سرانجام، زن در صفحه‌های تلویزیون به جسمی تبدیل شد که از طریق آن احساسات بینندگان تحریک می‌شود و غرایز آن‌ها برانگیخته می‌گردد؛ ابزاری می‌شود برای جلب توجه مخاطبان به آگهی‌های بازرگانی و تبلیغ انواع محصولات^۲!

در مورد مشارکت زنان در بازیگری، شیخ محمد رشید رضا رحمه‌الله می‌گوید: «اگرچه بپذیریم که بازیگری بدون حضور زن کامل نمی‌شود، اما هرگز قبول نداریم که جواز آن مستلزم اجازه برای اشتغال زن مسلمان به این حرفه باشد، بلکه از آن‌ها می‌پرسیم: منظور شما از این کمال چیست؟ آیا عدم کمال بازیگری بدون حضور زنان دلیل جواز شرعی روآوردن زنان مسلمان به این حرفه شده می‌تواند؟ و چرا به جای زن مسلمان از زن غیرمسلمان استفاده نشود که در امور بازیگری، چیزهای برای آن جایز است که برای زن

^۱ - یعنی آنچه را که بیننده‌ها قبل از برنامه، در اثنای برنامه و بعد از آن نمی‌بینند و نه می‌شنوند.

^۲ - به کتاب «عمل المرأة» نوشته خالد بن عبدالرحمن الشایع، ص ۶۱ مراجعه شود.

مسلمان نیست؟»^۱ و با چه دلیلی حکم به جواز بازیگری که به طور ذاتی نیازمند حضور زن مسلمان نیست، کرده و بر آن اساس جواز اشتغال زن مسلمان به بازیگری را استنباط کرده‌اند؟

آیا بازیگری مطلق به شرطی که خالی از فعل حرام و زمینه‌ساز فساد نباشد و شامل پند و اندرزهای مفید و هدایتگر باشد، مباح یا مستحب است؟ آیا بهتر نیست که گفته شود:

- همین‌طور هم هست - نمایش‌هایی که زن مسلمان باید در آن برخی کارهایی را انجام دهد به گونه‌ای که در تماشاخانه‌های مصر معروف است، جایز نیست، زیرا انجام کاری که موقوف به امر غیر مشروع است، جایز نیست، و یا به این دلیل که دفع مفاسد، مقدم بر جلب منافع است.

فعالیت زن مسلمان در بازیگری به شکل رایج، شامل کارهای ناپسند و حرام می‌شود، از جمله:

- ظاهر شدن او در محضر مردان، با آرایش و برهنه‌ساختن آن اعضای بدن که دیدن‌شان برای مردان حلال نیست مانند سر، گردن، بالای سینه، آرنج‌ها، بازوها، حرمت این‌ها، اتفاقی و از ضروریات دین است و نیازی به ذکر نصوص در آن نیست.
- از جمله اشتراک با مردان بازیگر در کارهایی که در بازیگری زیاد رخ می‌دهد - گرچه در کل از لوازم بازیگری نیست - مانند در آغوش گرفتن، بغل کردن و لمس کردن بدون مانع.

^۱ - باید توجه داشت: هر آن عملی که اجرای آن برای زن مسلمان در بازیگری جایز نباشد دیدن آن نیز جایز نیست ولو که از طریق زن غیر مسلمان انجام شده باشد.

- از جمله، منکرات دیگری که در بعضی از داستان‌ها موجود می‌باشد و در برخی دیگر نیست، مانند شبیه‌سازی به مردان، و نمایش حوادث عاشقانه و عاشق‌بازی‌های نامشروع، اینها کارهایی‌اند که یا در ذات خود حرام‌اند و یا مقدمه‌ای برای انجام کاری می‌شود که حرام بالذات است.

انکار نمی‌کنم، نویسنده‌ای که به احکام شرع و آداب آن آگاه است، می‌تواند داستانی بنویسد که در برخی از بخش‌های آن، کردار و گفتار نیکی به تصویر کشیده شود که اگر آن را زن مسلمانی در عرصه بازیگری ایفا کند، بدون نمایش زینت، بدون نمایش چیزی از بدن خود را که خدای متعال نشان دادن آن را حرام کرده‌است و بدون اینکه فساد را مرتکب شود و یا دست به مقدمه فساد بزند؛ پس بازیگری او با این شرایط، جایز و حتی مستحب است.

به‌طور مثال، داستانی درباره تشویق به جنگ برای دفاع از حق و حافظان کشور در زمانی که دشمنان به آن حمله کرده‌اند نوشته شود، و در این داستان آنچه از «خنساء رضی‌الله عنها» در ترغیب فرزندش به جنگ، در قالب نظم و نثر روایت شده، ذکر شود؛ پس چه کسی جرأت می‌کند که بازیگری زن را در نقش خنساء رضی‌الله عنها، حرام بخواند.^۱ داستانی که نمونه‌ای از فضیلت و کمال است؟! اما امکان ساخت چنین داستانی - که ساخت آن ممکن است ولی هرگز رخ نداده^۲ - نمی‌تواند مبنایی برای جواز مطلق بازیگری‌های زنانه

^۱ - این نظر رشید رضا است.

^۲ - این در زمان شیخ رشید رضا رحمه‌الله و در (۱۹۱۷) م بود. اما این داستان‌ها به فضل خدای متعال در این زمان زیاد است و از خدای متعال می‌خواهم تا به نشر آن‌ها رفتارهای بی‌مقدار زیر پوشش گرفته شود.

باشد که مواردی را راجع به آن ذکر کردیم و موارد دیگری از منکرات و امور حرام و مکروه شرعی نیز در آن‌ها است که از آن یاد نکردیم.^۱

در خصوص کارکردن زن در کل و به‌ویژه در رسانه‌های دیداری، یک سلسله مسائل است که رعایت و دانستن احکام‌شان لازم می‌باشد مانند اندازه عورت زن، لباس زن، صدای زن، و حکم اختلاط زن با بیگانگان، خلوت‌گزینی با آن‌ها و سفرشان، بنابراین، در رابطه به حکم هرکدام آن‌ها به تفصیل سخن خواهم گفت، تا ضابطه شرعی کار زنان به‌طور کلی و کار آن‌ها در رسانه‌های دیداری به‌طور خاص را بشناسیم.

هرچه در این پژوهش درست بوده، به توفیق خدای متعال است و آنچه که به خطا و اشتباه باشد از نفس آغشته به گناه خودم است. از خدای متعال می‌خواهم که مرا از لغزش‌ها دور بدارد و این کار را به نیکوترین وجه بپذیرد؛ بی‌گمان خدای متعال بزرگوartترین ذاتی است که می‌توان از او درخواست کرد.

^۱ - مجله المنار، نوشته محمد رشید رضا، از فتوای با عنوان «نمایش نامه عربی»: اشتغال زن مسلمان

به آن و نمایش داستان‌های پیامبران، صفحات ۳۱۰ تا ۳۱۶ / شماره ۲۰.



مبحث اول: حدود عورت زن، پوشش و صدای او

این مبحث دارای سه مطلب است:

مطلب اول: ضوابط شرعی مربوط به عورت زن

مطلب دوم: ضوابط شرعی مربوط به پوشش زن در برابر بیگانگان

مطلب سوم: ضوابط شرعی مربوط به صدای زن

مطلب اول: ضوابط شرعی مربوط به عورت زن.

این مطلب شامل موارد زیر است:

اول: دستور فرو بستن نگاه و حرمت نگریستن به عورت‌ها.

دوم: دیدگاه‌های فقیهان در خصوص محدوده عورت زن در برابر نامحرمان

سوم: مستندات این دیدگاه‌ها

چهارم: ترجیح یکی از دیدگاه‌ها

نخست: دستور فرو گذاشتن چشم و حرمت نگاه کردن به عورت‌ها.

قبل از بحث روی اندازه عورت زن، لازم است درباره دو حکم شرعی بحث صورت گیرد که عبارت‌اند از:

الف - دستور به فرو بستن نگاه

ب - حرمت نگاه به عورت‌ها

الف - دستور به فرو بستن نگاه:

از جمله چیزهایی که اسلام آن را تحریم کرده، نگاه طولانی مرد به زن و همچنین نگاه طولانی زن به مرد است؛ زیرا چشم، کلید قلب، و نگاه، پیام‌آور فتنه و نامهرسان زنا است. به همین دلیل خداوند متعال دستور خود را به همه زنان و مردان مومن صادر کرده است که چشم‌های خود را فرو کنند و همچنین از حفظ عفت و شرمگاه خود غفلت نکنند: «قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ» * وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا

مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبَنَّ بِخُمْرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» [النور: ۳۰-۳۱]؛ «به مردان مومن بگو که چشم‌های خود را (از نگاه کردن نامحرمان) فروگیرند، و شرمگاه خود را حفظ کنند؛ این برای آنان پاکیزه‌تر است؛ خدای متعال از آنچه انجام می‌دهید آگاه است* و به زنان باایمان بگو چشمان خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند و دامن خویش را حفظ کنند، و زینت خود را آشکار ننمایند جز آن مقدار که نمایان است، روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند».

ملاحظه می‌شود که این دو آیت دستور به فرو گذاشتن برخی از نگاه را داده نه اینکه از همه نگاه با چشم منع کرده باشد و درباره فرج‌ها نفرموده است که برخی از شرمگاه خویش را محافظت کنند همانطور که درباره چشم و نگاه کردن گفته: «يَغْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ»؛ بعضی از نگاهتان را فرو آورید، زیرا دستور درباره شرمگاه، محافظت کامل آن است و در آن هیچگونه تسامح هم وجود ندارد اما خداوند متعال اندکی از نگاه کردن را برای رفع حرج و رعایت مصلحت اجازه داده است، که به آن خواهیم پرداخت.

پس فرو گذاشتن چشم، به معنای بستن کامل چشم از نگاه کردن و یا پایین انداختن سر به زمین نیست؛ این نه منظور است و نه عملی. بلکه معنای «فرو گذاشتن چشم»، پایین آوردن و کنترل نگاه است؛ یعنی وقتی به جنس مخالف نگاه می‌کند، نباید نگاهش را به زیبایی‌های آن فرد دقیق کند و نباید طولانی و متمرکز به او نگاه کند و یا خیره شود. از جریر بن عبدالله جبلی رضی الله عنه روایت است گفت: «پیامبر صلی الله علیه و سلم را از دیدن ناگهانی پرسیدم؟ به من دستور داد که چشم خود را برگردان»^۱.

پیامبر صلی الله علیه و سلم نگاه‌های شهوت‌آمیز یک جنس به جنس دیگر را زنا برای چشم دانسته فرمود: «برای فرزند آدم سهمی از زنا نوشته شده است، و بدون شک به آن خواهد

^۱ - مسلم، کتاب الآداب، باب نظر الفجأة، حدیث ۲۱۵۹، ج ۳، ص ۱۶۹۹.

رسید؛ سهم فرزند آدم در زنا مقدر است که بدون شک آن را دریافت می‌کند؛ زنا چشم‌ها، نگاه کردن است»^۱.

و این عمل را «زنا» نامیده است؛ برای اینکه نوعی از لذت‌جویی و ارضای غریزه جنسی به گونه نامشروع است، این نگاه شهوانی و پرحرارت تنها خطر برای افراد پاکدامن نیست، بلکه تهدیدی برای ثبات فکر و آرامش قلب نیز هست.

ب - حرمت نگاه به عورت‌ها:

پیامبر صلی الله علیه و سلم از نگاه کردن به عورت‌ها نهی کرده است، چه این نگاه از مرد به مرد باشد یا از زن به زن، خواه همراه با شهوت باشد یا بدون شهوت. آن حضرت فرموده‌اند: «مرد به عورت مرد، و زن به عورت زن نبیند، مرد با مرد و زن با زن در یک لباس نخواستند»^۲.

آن عورتی که نگاه کردن به آن جواز ندارد، لمس آن با دست یا هر بخش دیگری از بدن نیز جایز نیست؛ و تمام عورت‌هایی که حرمت لمس یا نگاه کردنش را بیان کردیم، حرمت آن مشروط به نبود ضرورت و نیاز است، اگر ضرورتی مانند کمک‌های اولیه و یا تداوی پیش آید، حرمت برداشته می‌شود؛ و هر آنچه از نگاه کردن جایز شمرده شده، مشروط به امنیت از فتنه و شهوت است؛ اگر فتنه و شهوت وجود داشته باشد، اباحت هم به‌خاطر بسته شدن راه گناه برداشته می‌شود.

^۱ - مسلم، کتاب القدر، باب تصریف الله تعالی القلوب کیف شاء، حدیث ۲۶۵۷، ج ۴، ص ۲۰۴۷.

^۲ - مسلم، کتاب القدر، باب تصریف الله تعالی القلوب کیف شاء، حدیث شماره ۲۶۵۷، ج ۴، ص

از آنچه که گفته شد روشن می‌شود که نگاه کردن زن به قسمت‌هایی از بدن مرد که عورت نیست - یعنی بالاتر از ناف یا پایین‌تر از زانو - مباح است مشروط بر اینکه با شهوت همراه نباشد و فتنه‌ای ایجاد نکند، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و سلم برای عائشه رضی‌الله‌عنها اجازه داد تا به مردان حبشی نگاه کند، در حالی که آنان با نيزه‌های‌شان در مسجد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و سلم بازی می‌کردند؛ و او تا زمانی که خسته شد به آنها نگاه کرد و سپس برگشت.

و بسان آن، نگاه کردن مرد به قسمتی از بدن زن که عورت نیست (یعنی به صورت و دست‌هایش - مباح است مشروط به این که همراه با شهوت نباشد و فتنه‌ای ایجاد نکند). از عائشه رضی‌الله‌عنها روایت است که اسماء دختر ابوبکر صدیق رضی‌الله‌عنها - خواهر او - با لباس نازک نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و سلم آمد، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و سلم روی خود را از او برگرداند و فرمود: «ای اسماء، هنگامی که زن به سن عادت ماهیانه برسد، جایز نیست که از او چیزی دیده شود مگر این و این» سپس به صورت و دست‌هایش اشاره کرد.^۱ فشرده سخن اینکه نگاه کردن شخص غیر اهل غرض، به غیر از عورت زن یا مرد حلال است تا زمانی که به صورت تکراری و خیره‌شدن درنیاید که غالباً با لذت بردن و ترس افتادن در فتنه همراه می‌شود.

از نشانه‌های آسان‌گیری اسلام آن است که نگاه کردن گذرا که از انسان به گونه ناگهانی اتفاق می‌افتد و چیزی را می‌بیند که دیدن آن برایش جائز نیست، مورد عفو قرار داده است. از جریر بن عبدالله بجلی روایت است گفت: از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و سلم در مورد نگاه کردن

^۱ - أبو داود، سنن، کتاب اللباس، باب فیما تبدی المرأة من زینتها، حدیث ۴۱۰۶، ج ۴، ص ۱۰۶.

شیخ عبدالقادر أرناؤوط در تعلیق بر «جامع الأصول» گفته: «این حدیث حسن است»، ج ۱،

ناگهانی پرسیدم؟ به من دستور داد که چشمم را برگردانم. در روایت دیگر آمده « فرمود: چشم خود را برگردان» یعنی دوباره به سویش نگاه نکن^۱.

دوم: دیدگاه‌های فقها در خصوص محدوده عورت زن در برابر نامحرمان:

فقها - رحمهم الله - حدود عورت زن را در نزد محارم، شوهر و زنان بیان کرده‌اند، اما آنچه در این جا برای ما اهمیت دارد، حدّ عورت زن در برابر مردان نامحرم است، چراکه او در برابر دیدگان همه مردم و در پرده‌های تلویزیون ظاهر می‌شود که توضیح این مسئله ذیلاً خواهد آمد:

فقها اتفاق دارند که هر چیزی از بدن زن به غیر از صورت، دست‌ها، ساعدها و پاها در برابر مرد بیگانه عورت است و بر زنان واجب است که در غیر از حالات ضرورت آن را بپوشانند^۲.

اما در مورد چهره، دست‌ها، ساعدها و پاهای زن، سه دیدگاه ارائه شده است که فشرده آن قرار ذیل است:

دیدگاه اول: تمام بدن زن عورت است مگر چهره و پشت و روی کف دست‌ها که نگاه کردن به آن‌ها در صورت ترس از فتنه نیز حرام است. این سخن پیروان مذاهب شافعی، مالکی و یک قول احناف و بعضی از حنابله است.^۳

^۱ - فتاویٰ یوسف قرضاوی تحت عنوان «غض البصر» از سایت رسمی او دیده شود.

^۲ - حالات ضرورت مانند تداوی و برهنه کردن صورت برای ادای شهادت نزد قاضی.

^۳ - مشهور است که حنابله بر این باورند که «صورت زن عورت است». حقیقت این است که این تنها یکی از اقوال آن‌هاست؛ اما نظر معتبر نزد ایشان این است که صورت، عورت نیست. دکتر محمد رأفت بزرگوار مرا در این مورد سرزنش کرد. مرداوی می‌گوید: تمام بدن زن جز صورت و هر دو کف دست عورت است، و همین قول صحیح است. مذهب حنابله نیز همین است و فقهای آنان نیز بر این

دیدگاه دوم: گروه دیگری از علما، پاهای زن را به صورت و دست‌ها افزوده‌اند که برهنه ساختن آن‌ها مانند صورت و دست‌ها حلال است. این دیدگاه معتمد نزد احناف و حنابله است.^۱

ابویوسف - رحمه‌الله -^۲ از فقهای حنفی، ساعدها را بر صورت، دست‌ها و پاها افزود و اظهار داشت که برهنه ساختن آن‌ها نیز جایز است.^۳

دیدگاه سوم: تمام بدن زن عورت است: نظر کردن به تمام بدن زن حرام است، این ظاهر کلام احمد و نظر برخی از مالکی‌ها است.^۴

سوم: مستندات دیدگاه‌ها:

مستندات دیدگاه اول: (تمام بدن زن عورت است مگر صورت و دستانش)

باورند. ابن منذر در کتاب «الخمار» آن را نقل کرده و شیخ تقی‌الدین هم همان را برگزیده است. افزون بر این، قدم‌ها نیز عورت نیستند. من می‌گویم: درست همین است. [الإنصاف في معرفة الراجح من الخلاف، المرداوي، ج ۱، ص ۴۵۳].

^۲ - ابویوسف در سال ۱۸۲ هـ ق وفات کرد. نام او یعقوب بن ابراهیم بن حبیب انصاری کوفی است. او امام ابویوسف قاضی، فقیه، مجتهد، هم‌نشین ابوحنیفه و شاگرد برجسته او بود. نخستین کسی است که در مذهب ابوحنیفه کتاب تألیف کرد و دانش خویش را گسترش داد. از جمله آثار او «الآثار» و «الخراج» است. [الفوائد البهية، ص ۲۲۵؛ طبقات الفقهاء، ۱۳۴].

^۳ - حاشیه ابن عابدین، ج ۵، ص ۲۳۶؛ مواهب الجلیل لشرح مختصر الخلیل، الحطاب الرعیّی، ج ۱، ص ۴۹۹.

^۴ - المغنی، ابن قدامة، ج ۹، ص ۳۱۱.

چون نگاه به آن‌ها در صورت ترس از فتنه به دلایل زیادی حرام است از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- خداوند متعال فرموده است: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» [النور: ۳۱]؛

«زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است آشکار نسازند».

زینتی که در آیت اشاره شده، صورت و پشت و روی کف‌های دست‌ها است^۱، این قول از ابن عباس رضی‌الله عنهما^۲ روایت شده است و ابن عربی گفته است که: «در مورد زینت آشکار، سه نظر متفاوت وجود دارد:

اول - زینت ظاهر شده، لباس‌ها است؛ یعنی لباس است که به‌طور خاص از زن دیده می‌شود، و این نظر ابن مسعود رضی‌الله عنه^۳ است.

دوم - سرمه و انگشتر است، این نظر ابن عباس و مسور می‌باشد.

سوم - صورت و کف‌های دست‌ها است. این دیدگاه و نظر دوم به یک معنی‌اند؛ زیرا سرمه و انگشتر در صورت و کف دست‌ها قرار می‌داشته باشد، و از آن معنای دیگر نیز به‌دست می‌آید و آن این‌که: چیزی که دیده می‌شود، صورت و کف دست‌ها است و زینت ظاهر همان‌ها است، این قول تا زمانی درست است که در آن سرمه و انگشتر نباشد، هرگاه به آن سرمه و انگشتر تعلق گرفت، از اعضای باطن محسوب شده و پوشاندنش واجب می‌گردد^۳.

۱ - مغنی المحتاج، الشریبیتی، ج ۳، ص ۱۲۸.

۲ - السنن الکبری، البیهقی، باب شُحْصِصَ الْوَجْهَ وَالْكَفَّيْنِ بِجَوَازِ النَّظَرِ إِلَيْهَا عِنْدَ الْحَاجَةِ، ج ۷، ص ۸۵؛ تفسیر الطبری ج ۱۷، ص ۲۵۸.

۳ - أحکام القرآن، ابن العربی: ج ۳، ص ۳۸۱.

این استدلال را با سخن ابن قدامه نقد کرده‌اند: «تفسیر ابن عباس در آیه «مَا ظَهَرَ مِنْهَا» به صورت و کف دستان، به دلیل مثل آن نقض می‌شود، و آن روایت منقول از ابن مسعود رضی الله عنه است که در تفسیر این آیه «مَا ظَهَرَ مِنْهَا» گفته است: «مراد از آن لباس ظاهری است». ابوالاحوص از ابن مسعود روایت کرده که وی در مورد این آیت گفت: «زینت دوگونه است، زینتی که آن را جز شوهر نمی‌بیند و آن عبارت از انگشتر و دستبند است و زینتی که بیگانه‌ها آن را می‌بینند و آن ظاهر لباس است.^۱ اما تفسیر ابن مسعود رضی الله عنه استثناء در نص «مَا ظَهَرَ مِنْهَا» را باطل می‌کند، چون ظاهر بودن لباس روشن است و نیاز به استثنا ندارد. خدای متعال دانایتر است.

قرطبی این نظر را ترجیح داده و گفته است: «وقتی غالب در عادت و عبادت، برهنه ساختن صورت و کف دست‌ها است و در نماز و حج متحقق می‌شود، می‌تواند که استثنا به آن دو راجع شود» و سپس به حدیث اسماء رضی الله عنها مراجعه کرده و گفته است: «این نظر از جانب احتیاط قوی‌تر است که جلوگیری از فساد مردم رعایت شده است؛ بنابراین زن نباید زینت خود را جز آنچه از صورت و کف دست‌هایش نمایان است، نشان دهد».^۲

۲- خداوند متعال می‌فرماید: «لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ» [الأحزاب: ۵۲]؛ «بعد از این زنان (دیگر) بر تو حلال نیستند، و نمی‌توانی همسرانت را به همسران دیگری مبدل کنی و بعضی را طلاق دهی و همسر دیگری به جای او برگزینی هرچند زیبایی آن‌ها مورد توجه تو واقع شود».

۱- تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۲۸۴.

۲- تفسیر القرطبی، ج ۱۲، ص ۲۲۹.

آیت بیان می‌کند که پس از این رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم جایز نیست، ازدواج کند ولو که زیبایی برخی از زنان خوشش آید چگونه می‌توان بدون دیدن چهرهٔ زنان به زیبایی‌شان علاقمند شد؟ جصاص در تفسیر خود گفته است: «زیبایی زنان برای او خوش آیند نیست مگر بعد از دیدن چهره‌های‌شان»^۱.

۳- جابر رضی‌الله‌عنه از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم روایت کرده است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم زنی را دید، و سپس سراغ همسرش زینب رفت که در حال خفتن بود، و نیاز خود را برآورد، سپس به سوی اصحاب خود بیرون آمد و گفت: «زن در صورت شیطان می‌آید و در صورت شیطان می‌رود، هرگاه کسی از شما زنی را دید باید به نزد همسرش برود، زیرا این کار آنچه در دل دارد را دفع می‌کند» و در روایت دیگری آمده است: «اگر یکی از شما زنی برایش خوشایند تمام شد و در قلبش وسوسه افتاد، باید به سوی زن خود برود و با او همبستر شود، زیرا این کار آنچه در دل دارد را دفع می‌کند»^۲.

نووی رحمه‌الله می‌گوید: «روایت دوم توضیح‌دهندهٔ روایت اول است، و معنای حدیث این است، برای کسی که زنی را ببیند و شهوتش تحریک شود، مستحب است که نزد زن یا کنیز خود (اگر داشته باشد) رفته و با او نزدیکی کند، شهوت خود را دفع کرده نفس خود را تسکین و قلب خود را از آنچه که در پی‌اش است جمع کند»^۳.

۱- أحكام القرآن جصاص، ج ۵، ص ۱۷۳.

۲- مسلم، صحیح، کتاب النکاح، باب ندب من رأى امرأة فوقعت في نفسه إلى أن يأتي امرأته أو جاريتها فيواقعها، حدیث ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۰۲۱.

۳- شرح النووی علی مسلم، ج ۹، ص ۵۲۷.

کسی که زنی را می‌بیند و شهوتش تحریک می‌شود، دست‌کم باید چهره او را دیده باشد و از نگاه کردن به آن به حکم غریزه‌ای که در وجودش نسبت به زن قرار گرفته است، لذت برده باشد، از این جهت است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم آمدن زنان را تشبیه به شیطان کرده و شیطان است که به وسیله وسوسه و زیبا جلوه دادن بدی‌ها، دعوت به سوی شر می‌کند. نووی رحمہ‌اللہ درباره حدیث رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم که فرمود: «زن در صورت شیطان می‌آید»، گفته است: «علما گفته‌اند: معنای آن اشاره به سوی هوای نفس و دعوت به فتنه با زن است، به دلیل اینکه خدای متعال تمایل به سوی زنان و لذت بردن از نگاه کردن شان و آنچه به آن‌ها مربوط می‌شود را در دل مردان قرار داده است، زن در این مورد مانند شیطان است که با وسوسه و زیباسازی بدی‌ها، مردان را به شر دعوت می‌کند. از این جمله چنین استنباط می‌شود که زن نباید جز در موارد ضروری در میان مردان ظاهر شود.^۱

۴- عبدالله بن عباس رضی‌الله‌عنهما گفت: «فضل در کنار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم قرار داشت، زنی از قبیله خثعم آمد، فضل به آن زن نگاه می‌کرد و او به فضل نگاه می‌کرد، و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم صورت فضل را به سمت دیگر برگرداند».^۲

ترمذی این حادثه را از حدیث علی رضی‌الله‌عنه نقل کرده است و در آن آمده است: - یعنی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم - گردن فضل را برگرداند، عباس گفت: «ای رسول خدا چرا گردن پسر کاکایت را برگرداندی؟» پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمود: «پسر جوان و دختر جوان را دیدم و از شیطان در موردشان احساس امنیت نکردم».^۳

^۱ - شرح النووی علی مسلم ج ۹، ص ۵۲۷.

^۲ - البخاری، کتاب الحج، باب وجوب الحج و فضله، حدیث شماره ۱۵۱۳، ج ۲، ص ۱۳۲.

^۳ - الترمذی، کتاب الحج، باب ما جاء أن عرفة كلها موقف، حدیث شماره ۸۸۵. ابوعیسی ترمذی

گفته: این، حدیث حسن صحیح است. ج ۳، ص ۲۳۲.

شوکانی می‌گوید: «ابن قطن از این حدیث استنباط کرده است که نگاه کردن در وقت ایمن بودن از فتنه جایز است، چون پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم دستور ندادند که آن دختر صورت خود را بپوشاند، و اگر عباس نمی‌فهمید که نگاه کردن جایز است، سوال نمی‌کرد، و اگر آن را جایز نمی‌دانست تاییدش نمی‌کرد»^۱.

۵- از عایشه رضی‌الله‌عنها روایت است که اسماء دختر ابوبکر رضی‌الله‌عنه در حالی بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم وارد شد که لباس نازک بر تن داشت، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم از او روگردانید و فرمود: «ای اسماء! زن زمانی که به سن مریضی (ماهوار زنان) برسد، مناسب نیست که از بدن او دیده شود مگر این و این»؛ به سوی صورت و کف دستانش اشاره کرد.^۲

۶- از جابر بن عبد الله نقل است که گفت: «من همراه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم در نماز عید حاضر شدم، نماز را پیش از خطبه و بدون اذان و قامت شروع کرد، سپس از جا برخاست و در حالی که بر بلال تکیه زده بود، امر به تقوی الهی داد و به طاعت خدا ترغیب کرد، و مردم را پند و نصیحت کرده و سپس رفت تا اینکه نزد زنان رسید، به آن‌ها پند و اندرز داد و فرمود: صدقه کنید، چون اکثر شما هیزم جهنم هستید، زنی با گونه‌های سیاه‌رنگ از میان‌شان برخاست و پرسید: چرا؟ ای رسول خدا! پیامبر فرمود: «زیرا شما زیاد شکایت کرده و شوهران‌تان

^۱ - نیل الاوطار، الشوکانی، ج ۶، ص ۵۲۴.

^۲ - أبو داود، سنن، کتاب اللباس، باب فیما تبدی المرأة من زینتها، حدیث ۴۱۰۶، ج ۴، ص ۱۰۶.
 شیخ عبدالقادر أرناؤوط در «جامع الأصول» گفته: این حدیث به شواهد خود حسن است، ج ۱۰، ص ۶۴۵. و ألبانی نیز در «إرواء الغلیل» آن را حسن دانسته است، ج ۶، ص ۲۰۳.

را کفران می‌کنید. [جابر] گفت: زنان شروع کردند زیورات‌شان را صدقه می‌دادند و گوشواره و انگشتران‌شان را در چادر بلال واریز می‌کردند^۱.
اگر روی آن زن برهنه نمی‌بود، دانسته نمی‌شد که گونه‌هایش سرخ رنگ است.
مستندات دیدگاه دوم: که می‌گوید: (تمام بدن زن عورت است مگر صورت، کف دستان و قدم‌های او)

۱- خداوند متعال از آشکارکردن زینت نهی کرده است مگر آنچه را که آشکار است، پاها آشکار هستند، زیرا هنگام راه رفتن زنان، نمایان می‌شوند، از این جهت جزو چیزهایی هستند که از نهی مستثنی شده‌اند. و آشکار کردن آن‌ها جایز است و مردان نامحرمی که در معرض فتنه نیستند می‌توانند به آن‌ها نگاه کنند^۲.

۲- اگر علت دستور به پوشاندن آنچه از زن عورت محسوب می‌شود، شهوتی باشد که از دیدن این اعضا حاصل می‌شود، باید گفت که شهوت از نگاه کردن به پا به اندازه نگاه کردن به صورت ایجاد نمی‌شود، و اگر صورت زن با وجود تحریک زیاد شهوت، جزء عورت او محسوب نمی‌شود، پس پاها شایسته‌تر هستند که جزء عورات او به حساب نیایند^۳.

۳- اما قول ابو یوسف رحمه‌الله علیه در افزودن بازوها: قرطبی از ابن عباس و قتاده و مسور بن مخرمه نقل کرده است که گفته‌اند: زینت آشکار شامل سرمه، چُری (دستبند)، خینه تا نیمه بازو، گوشواره، انگشتر و امثال آن است و جایز است که

^۱ - مسلم، فی أول کتاب صلاة العیدین، حدیث شماره ۸۸۵، ج ۲، ص ۶۰۳.

^۲ - بدائع الصنائع، الکاسانی، ج ۶، ص ۱۲۲.

^۳ - الاختیار، الموصلی، ج ۴، ص ۱۵۶.

زن آن‌ها را برای هرکسی که به خانه او وارد می‌شود، آشکار کند.^۱ سپس قرطبی این حدیث را نقل می‌کند: از عایشه رضی‌الله عنها از پیامبر صلی‌الله علیه وسلم روایت است که فرمود: «برای زنی که ایمان به خدا و روز آخرت دارد، حلال نیست که وقتی مریض (ماهوار) شود، چیزی از بدن خود را آشکار کند مگر صورت و دستانش را تا اینجا»؛ نیمه بازو را محکم گرفت.^۲

مستندات دیدگاه سوم: (تمام بدن زن عورت است).

۱- قول خداوند است که می‌فرماید: «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ» [الأحزاب: ۵۳]؛ «هنگامی که چیزی از وسایل (همسران پیامبر) می‌خواهید، از پشت پرده بخواهید».

ابن عربی مالکی می‌گوید: «این دلالت می‌کند که خدای متعال اجازه داده است در وقت نیاز و یا طرح مسئله، از پشت پرده از همسران پیامبر پرسیده شود، زن به‌طور کلی عورت است، چه بدنش و چه چهره‌اش. برهنه ساختن آن جایز نیست مگر در وقت ضرورت یا نیازمندی، مانند شهادتی که بر زن واجب شود یا دردی که به بدنش سرایت کند، یا پرسشی که نزد او مرتبط به خودش مطرح می‌شود»^۳

^۱ - تفسیر القرطبی، ج ۱۲، ص ۲۲۸.

^۲ - این روایت در کتب اصلی حدیث نیامده است، بلکه مفسران آن را در ذیل آیات ذکر کرده‌اند؛ از جمله: طبری در «تفسیر» (ج ۱۹، ص ۱۵۷) و قرطبی در تفسیر، ج ۱۲، ص ۲۲۹.

^۳ - أحكام القرآن، أبو بکر بن العربی، ج ۳، ص ۶۱۶.

۲- خداوند متعال می‌فرماید: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» [النور: ۳۱]؛ «به زنان با ایمان بگو چشمای خود را فروگیرند، و دامان خویش را حفظ کنند، و زینت‌های خویش را جز آن مقدار که نمایان است آشکار نمایند، روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند».

قرطبی گفته است: «زینت بر دو دسته تقسیم می‌شود: زینت ذاتی (خلقتی) و زینت اکتسابی. زینت ذاتی، صورت و چهره زن است، چون صورت، ریشه و منشأ زینت و زیبایی خلقت است... اما زینت اکتسابی آن چیزی است که زن در بهتر ساختن و آراسته ساختن خلقت خود به کار می‌برد، مانند لباس، زیورات، سرمه و خینه».^۱ قرطبی همچنان می‌گوید: «زینت ظاهر و باطن دارد، هر آن زینتی که آشکار و نمایان است، همیشه برای همه مردم چه محارم و چه بیگانه، مباح است، اما نمایش دادن زینت باطنی جایز نیست جز برای کسانی که خدای متعال در این آیت از ایشان نامبرده است».^۲

۳- همچنان به حدیث زن خثعمیه استدلال کرده‌اند، آن که از رسول الله صلی الله علیه وسلم طلب فتوا کرد، حدیثی که قبلاً در مستندات اصحاب دیدگاه اول ذکر شد، اینکه چگونه رسول الله صلی الله علیه وسلم روی فضل را زمانی که به سوی زن نگاه کرد، برگرداند.^۳

^۱ - الجامع لأحكام القرآن، القرطبي، ج ۱۲، ص ۲۲۹.

^۲ - الجامع لأحكام القرآن، القرطبي، ج ۱۲، ص ۲۲۹.

^۳ - البخاري، كتاب الحج، باب وجوب الحج وفضله، حديث شماره ۱۵۱۳، ج ۲، ص ۱۳۲.

۴- همچنان استدلال کردند به آنچه که ابن مسعود رضی اللہ عنہ از پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم نقل کرده است که ایشان فرمودند: «زن عورت است، وقتی بیرون می‌شود، شیطان او را همراهی می‌کند»^۱.

ظاهر حدیث دال بر این است که تمام بدن زن از جمله صورت و کف دست‌هایش عورت است، البته این حکم در غیر نماز و احرام است، اما در نماز و احرام، صورت و کف دست‌های زن، عورت نیستند، زیرا دلیل بر این امر وجود دارد. در نقد آن گفته می‌شود: این حکم (یعنی این که تمام بدن زن عورت باشد) حکم بر اساس غالب و اکثریت است، معنای آن این است که هر جزء از بدن زن که شهوت برانگیز بوده باشد عورت است، این مانند حدیثی از مسلم است که قبلاً به آن اشاره کردیم: «زن به صورت شیطان می‌آید و به صورت شیطان بر می‌گردد»^۲.

۱- الترمذی، سنن، کتاب الرضاع، باب ۱۸، حدیث ۱۱۷۳؛ ابوعیسی ترمذی گفته است: این حدیث حسن غریب است، ج ۳، ص ۴۶۸.

شیخ عبدالقادر ارناؤوط در تحقیق خود بر «جامع الأصول» نیز آن را حسن دانسته است، ج ۶، ص ۶۶۵.

ابن خزیمه آن را به شماره ۱۶۸۰، ج ۳، ص ۹۳ و ابن حبان به شماره ۵۵۹۸، ج ۱۲، ص ۴۱۲ روایت کرده‌اند.

طبرانی در «المعجم الكبير» به شماره ۱۰۱۱۵، ج ۱۰، ص ۱۰۸ روایت کرده است.

همیشی گفته است: طبرانی این حدیث را در الكبير روایت کرده و راویان آن موثق هستند، «مجمع

الروائد»، ج ۲، ص ۱۵۶.

۲- مسلم، کتاب النکاح، باب ندب من رأى امرأة فوقع فی نفسه، إلى أن يأتي امرأته أو جاریته فیواقعها، حدیث شماره ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۰۲۱.

این طور نیست که هر جزئی از اعضای بدن زن عورت باشد، چون صورت و کف دستان به مستندات دیگر استثنا شده‌اند.

۵- کما اینکه استدلال کرده‌اند به آنچه که ابوالاحوص از ابن مسعود رضی الله عنه روایت کرده است که وی در تفسیر: «مَا ظَهَرَ مِنْهَا» گفته: زینت دو قسم است، اول زینتی که جز شوهر آن را نمی‌بیند که آن عبارت از انگشتر و دست‌بند است، دوم زینتی که بیگانگان آن را می‌بیند و آن همان لباس است.^۱

چهارم: ترجیح:

دیدم می‌شود که هر کدام از اصحاب مذاهب سه‌گانه استدلال به این قول خدای متعال کرده‌اند: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» [سوره نور: ۳۱]؛ «زینت‌های خود را جز آن مقدار که نمایان است آشکار نکنند».

و در تفسیر: «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» استدلال به اقوال صحابه نموده‌اند. اصحاب مذهب اول گفته‌اند: مستثنا همان صورت و کف دست‌ها است. اصحاب دیدگاه دوم، پاها را بر صورت و کف دست‌ها شامل استثنا ساخته‌اند. و علمای مذهب سوم به این باوراند که کل بدن زن عورت است و مستثنا لباس است و بس.

اختلاف صحابه در تفسیر آنچه که استثنا شده، این آیت را در جایگاهی قرار داده که برای هیچ کدام از مذاهب حجت نباشد، پس چگونه به تفسیر برخی از صحابه استناد کرد و از برخی دیگر صرف نظر نمود. بنابراین، دیگر نه برای پیروان مذهب دوم که پاها را شامل استثنا ساخته‌اند و نه ابویوسف که بازوها را شامل استثنا ساخته است، حجتی باقی نمی‌ماند.

^۱ - الجامع لأحكام القرآن، القرطبي، ج ۱۵، ص ۲۱۴.

اما کسانی که به عورت بودن کل بدن زن استدلال کردند، استدلال‌شان حدیث خشعیه است؛ زنی که از رسول الله ﷺ طلب فتوا کرد، و در آن آمده است که رسول الله ﷺ صورت فضل را که به سوی زن نگاه می‌کرد، برگرداند، باید گفت که این استدلال قابل ایراد است، زیرا پیامبر ﷺ صورت فضل را از نگاه کردن به سوی آن زن، به دلیل ترس از فتنه برگرداند. و روایت ترمذی که از حضرت علی کرم‌الله وجهه نقل شده به این امر تصریح کرده است که همراه با تعلیق شوکانی رحمه‌الله قبلاً و در مستندات قول اول ذکر شد.

اما بقیه مستنداتی که ظاهرشان افاده عورت بودن کل بدن زن را می‌کند، مجموع آن‌ها برای استدلال کافی نیست؛ زیرا مستنداتی وجود دارد که جواز برهنه‌سازی صورت را می‌رساند، این چیزی است که در زمان پیامبر ﷺ بدون انکار او رخ داده است، این مستندات، صورت و کف دست‌ها را استثنا می‌کند و عمومیت مستنداتی را که بیانگر عورت بودن کل بدن زن است را تخصیص می‌کند.

خدای متعال بهتر می‌داند که راجح، دیدگاه اول است که گفته: «کل بدن زن عورت است مگر صورت و و پشت و رخ کف دست‌هایش آنگونه که نظر کردن به آن‌ها در هنگام ترس از فتنه حرام است، پوشاندن صورت به‌ویژه برای زنان جوان مستحب است تا هم خودشان و هم مردان از فتنه‌ها در امان بمانند».

مطلب دوم: دساتیر شرعی در مورد لباس زن در حضور بیگانگان

اسلام تأکید بر پوشاندن زن دارد، و علماً شرایطی را برای لباس زن استنباط کرده‌اند؛ زیرا لباس پوشاننده، زن پاکدامن را از دیگران متمایز می‌کند، در نتیجه از مزاحمت‌ها در امان می‌ماند و افراد فاسق او را آزار نمی‌دهند؛ خدای متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ

لَا زَوَاجَکَ وَبَنَاتَکَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَیْهِنَّ مِّنْ جَلَابِیْبِهِنَّ ذَٰلِکَ أَذْنٰی اَنْ یُّعْرِفْنَ فَلَا یُؤْذِیْنَ ۗ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِیْمًا» [الأحزاب: ۵۹]؛ «ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مومنان بگو: روسری‌های خود را بر خویش فروافکنند، این کار برای این که شناخته شوند، و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است. خداوند همواره آمرزنده و مهربان است».

اسلام حجاب را بر مسلمانان فرض گردانیده؛ زیرا حجاب پاکی است، الله تعالی می‌فرماید: «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ۚ ذَٰلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» [الأحزاب: ۵۳]، «و هنگامی که چیزی از وسایل زندگی را از آنان می‌خواهید از پشت پرده بخواید. این کار برای پاکی دل‌های شما و آنها بهتر است».

اینکه خداوند متعال حجاب را پاک‌کننده دل‌های زنان و مردان مومن توصیف کرده است؛ برای این است که چشم وقتی چیزی را نبیند، قلب اشتها پیدا نمی‌کند، اینجاست که قلب - در ندیدن آنچه که برای انسان حلال نیست - پاک می‌باشد، و هم اینکه حجاب طمع قلب‌های بیمار را قطع می‌کند: خدای متعال می‌فرماید: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ» [الأحزاب: ۳۲]؛ «پس به گونه هوس‌انگیز سخن نگویند که بیمار دلان در شما طمع کنند، و سخن شایسته بگویند».

و باید لباسی که بدن را می‌پوشاند، همراه با تقوا و ترس از خدا در دل باشد؛ زیرا همین تقوا است که انسان را از گناهان باز می‌دارد. خدای متعال می‌فرماید: «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنزَلْنَا عَلَيْكُم لِبَاسًا يُؤَارِي سَوَآتِكُمْ وَرِيشًا ۗ وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ» [الأعراف: ۲۶]؛ «این فرزندان آدم! لباسی برای شما آفریده‌ایم که اندام شمارا می‌پوشاند و مایه زینت شماست، اما جامه پرهیزگاری بهتر است».

و علمای دین چندین قاعده برای لباس و پوشش زن در حضور مردان بیگانه تعیین کرده‌اند، و این دستورها عبارت‌اند از:

۱- اینکه لباس باید پوشاننده عورت باشد: با در نظر داشت اختلافی که در مقدار عورت قبلاً گذشت بر این که: (نزد شافعی و حنابلہ تمام بدن زن عورت است، نزد احناف و مالکیہ تمام بدن عورت است به استثنای صورت و کف دست‌ها آنہم به شرط ایمن بودن از ترس فتنہ) اما اگر برهنہ ساختن صورت و دست‌ها بہ‌خاطر زیبایی طبیعی و یا بہ‌خاطر استفاده از وسائل آرایش کہ برای زیبایی‌سازی استفاده می‌گردد باعث فتنہ شود، در این صورت، پوشاندن آن‌ها واجب است.

۲- لباس ذاتاً زینتی نباشد: لباس شعلہ‌دار یا زرق و برق دار دارای رنگ‌هایی نباشد کہ جلب توجہ کند، خدای متعال می‌فرماید: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» [نور: ۳۱]؛ «زینت‌های خود را جز آن مقدار کہ نمایان است آشکار نکنند».

معنای «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»: این است کہ زینت‌ها را قصدی و غیر قصدی نمایان نکنند، زمانی کہ بدن زن ذاتاً زینت باشد، آشکار ساختن آن جایز نیست.

۳- این کہ لباس، سخت و ضخیم باشد: بدن زیر آن نمایان نشود؛ زیرا غرض از لباس، پوشاندن است، اما لباس‌های شفاف، زن را بیشتر زینت‌دار و فریبنده نشان می‌دهد.

از ابوہریرہ رضی اللہ عنہ روایت است کہ پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «دو گروہ از اہل جہنم اند کہ من آن‌ها را ندیدہ ام، گروہی دارای تازیانہ‌های مانند دم گاواند کہ با آن مردم را می‌زنند، و زنان لباس پوش برهنہ، میل‌آور و میل‌کنندہ، سرهای‌شان مانند کوهان‌های شتر

خمیده است، این زنان وارد بهشت نمی‌شوند، و بوی آن را هم نمی‌یابند، هرچند بوی آن از مسافت دور به مشام می‌رسد»^۱.

ابن عبدالبر گفته است: «مراد از زنانی که در حدیث پیامبر آمده، همان زنانی هستند که لباس نازک بر تن می‌کنند؛ در ظاهر گفته می‌شود لباس دارند، اما در حقیقت پوشیده نیستند. آنان زنانی‌اند که به نام «لباس پوش» شناخته می‌شوند، ولی در واقع برهنه به حساب می‌آیند»^۲.

۴- و این که لباس باید گشاد باشد؛ طوری که عورت را نمایان نکند، و جاهای فتنه‌آفرین بدن را آشکار نسازد، این حکم از حدیث: «کاسیات عاریات» به دست می‌آید که قبلاً گذشت.

اسامه بن زید رضی الله عنه می‌گوید:

«کسانی از مردم به پیامبر صلی الله علیه وسلم پارچه‌ای قبطی (از مصر) هدیه کردند، و پیامبر صلی الله علیه وسلم آن را به من بخشید. من آن را به همسرم پوشانیدم. پیامبر صلی الله علیه وسلم به من فرمود: «چرا قبطی^۳ را نپوشیدی؟» گفتم: ای رسول خدا آن را به همسرم دادم، پیامبر

^۱ - مسلم، کتاب الجَنَّة، باب النار یدخلها الجبارون، والجَنَّة یدخلها الضعفاء، حدیث شماره ۲۱۲۸، ج ۳، ص ۱۶۸۰.

^۲ - التمهید لما فی الموطأ من المعان والأسانید، ابن عبد البر، ج ۱۳، ص ۲۰۴.

^۳ - قِطَی: جامه کتانی نازک است که در مصر بافته می‌شد، و برخلاف قیاس به «قَطَّ» نسبت داده شده تا میان آن و انسان فرق گذاشته شود؛ پس در مورد انسان گفته می‌شود «انسانی قِطَی» و در مورد لباس «لباس قِطَی». [لسان العرب، ج ۵، ص ۳۵۱۴؛ المصباح المنیر، ج ۲، ص ۴۸۸].

صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: «به او بگو زیر آن پارچه زیرپوشی بپوشد، من نگرانم که اندازۀ استخوان‌هایش دیده شود»^۱.

۵- این که لباس زن عطرآلود نباشد: اگر قرار باشد زن از کنار مردان عبور کند، بیرون شدن او از خانه با لباس عطرآلود جایز نیست، اما اگر با شوهر یا محارمش در موترش بنشیند بد نیست؛ زیرا موتر مانند خانه است، اما اگر لباس خود را عطرآلود کرده قصد جلب توجه مردان را داشته باشد، حرام است. زینب همسر عبداللہ (ابن مسعود) روایت می‌کند که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم برای ما فرمود: «هرگاه یکی از شما (زنان) مسجد رفت، از خوشبویی استفاده نکند» در روایتی دیگر آمده است: «هرگاه یکی از شما (زنان) در نماز خفتن حاضر شود، همان شب خوشبویی نزند»^۲.

^۱ - مسند امام أحمد، حدیث ۲۱۷۸۶؛ محققان مسند گفته‌اند: حدیث محتمل التحسین است، ج ۳۶، ص ۱۲۰.

البيهقي، «معرفۃ السنن والآثار»، حدیث ۴۰۶۵، کتاب الصلاة، باب صلاة المرأة، ج ۳، ص ۱۴۶. هیشمی در «مجمع الزوائد» گفته است که این حدیث را احمد و طبرانی روایت کرده‌اند و عبدالله بن محمد بن عقیل از میان راویان است؛ حدیث حسن است، اما در آن ضعف وجود دارد و بقیه رجال ثقه هستند، ج ۵، ص ۲۴۰.

حذیفه گفته: من این حدیث را نزد طبرانی به این الفاظ نیافتم.

ألبانی آن را در کتاب «الثمر المستطاب فی فقه السنة والکتاب»، ج ۱، ص ۳۱۸، حسن دانسته است.

^۲ - مسلم، کتاب الصلاة، باب خروج النساء إلى المساجد، حدیث شماره ۴۴۳، ج ۱، ص ۳۲۸.

و از غنیم بن قیس از اشعری روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هر زنی که با عطر خوش در میان مردم عبور کند تا دیگران بوی او را حس کنند، این زن مانند زناکار است»^۱.

یعنی در کسب گناه مانند زن زناکار است، زیرا این زن به این کارش، شهوت مردان را تحریک می‌کند که چنین کاری به منزله مقدمه زنا است.

مناوی می‌گوید: «اگر زن عطری بزند و از مجلس عبور کند، شهوت مردان را برانگیخته و آن‌ها را به نگاه کردن به خود وامی‌دارد، پس هرکس به او نگاه کند، بدون شک با چشم خود زنا کرده است؛ و برای زن نیز گناهی حاصل می‌شود، زیرا او مرد را به نگاه کردن به سوی خود واداشته و قلبش را مشوش کرده است، پس زن نیز به سبب این که باعث زنا با چشم شده، زانی به شمار می‌رود»^۲.

۱ - أحمد، حدیث ۱۹۷۱۱؛ محققان گفته‌اند: اسنادش جید است، ج ۳۲، ص ۴۸۳.

أبو داود، سنن، کتاب الترجل، باب فی المرأة تطیب للخروج، حدیث ۴۱۷۴، ج ۴، ص ۱۲۸. الترمذی، سنن، کتاب الأدب، باب ما جاء فی کراهیة خروج المرأة متعطرة، حدیث ۲۷۸۶؛ ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیح است، ج ۵، ص ۱۰۶.

النسائی، سنن، کتاب الزینة، باب ما یکره للنساء من الطیب، حدیث ۹۳۶۱، ج ۵، ص ۴۳۰.

ابن خزیمه، حدیث ۱۶۸۱، ج ۳، ص ۹۱؛ آن را صحیح گفته است.

ابن حبان، حدیث ۴۴۲۴؛ محقق شعبی أرنأؤوط گفته است: اسناد آن قوی است، ج ۱۰، ص ۲۷۰.

الحاکم، حدیث ۳۴۹۷؛ ذهبی با او موافقت کرده است، ج ۲، ص ۳۹۷.

شیخ عبدالقادر أرنأؤوط در «جامع الأصول» گفته است: حدیث حسن است، ج ۴، ص ۷۷۱.

۲ - فیض القدیر، المناوی، ج ۵، ص ۲۷.

۶- لباس زن مشابه به لباس مرد نباشد: در حدیثی از ابوهریره رضی الله عنه نقل شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم: «لعنت کرده است مردانی را که لباس زن و زنانی را که لباس مرد به تن می‌کنند»^۱.

واز ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم: «مردان تشبیه کننده به زنان و زنان تشبیه کننده به مردان را لعنت کرده است»^۲.

یعنی زنانی که در لباس و صورت، خود را مانند مرد می‌سازند، فطرت این است که مرد، مردانگی خود را آنگونه که خداوند او را آفریده است حفظ کند، و زن زنانگی خود را آنگونه که خداوند او را خلق کرده است حفظ کند، این یکی از مستنداتی است که زندگی مردم بدون آن به درستی پیش نمی‌رود. شبیه‌سازی مردان به زنان، و زنان به مردان مخالف با سرشت است که درهای فساد اخلاقی را در جامعه گسترش می‌دهد، حکم شرعی این عمل، حرمت است.

۷- نباید لباس زنان مسلمان شبیه لباس زنان کافر باشد: چون در شریعت است که برای مسلمانان - چه زن و چه مرد - جایز نیست خود را شبیه کافران سازند چه در عبادات آن‌ها، چه در عیدهای‌شان، یا در پوشاک‌های مخصوص آن‌ها. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هرکه خود را به گروه/طائفه‌ای شبیه کند از زمره آن‌ها به شمار می‌رود»^۳.

۱- این حدیث را نیز روایت کرده‌اند: الحاکم، حدیث ۷۴۱۵، ج ۴، ص ۱۹۴؛

أبو داود، سنن، کتاب اللباس، باب لباس النساء، حدیث ۴۱۰۰، ج ۴، ص ۱۰۴؛

شیخ عبدالقادر أرناؤوط در «جامع الأصول»، ج ۱۰، ص ۶۵۶.

۲- البخاری، کتاب اللباس، باب الْمُتَشَبِّهُونَ بِالنِّسَاءِ وَالْمُتَشَبِّهَاتُ بِالرِّجَالِ، حدیث شماره ۵۸۸۵، ج ۷، ص ۱۵۹.

۳- این حدیث را روایت کرده‌اند:

از ابو امامه رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم به سوی کسانی از انصار که ریش‌های سفید داشتند، رفت و فرمود:

«ای گروه انصار! موهای خود را سرخ کنید یا زرد، و با اهل کتاب مخالفت کنید».

ابو امامه گفت:

«ای رسول خدا! اهل کتاب پیراهن می‌پوشند اما تنبان نمی‌پوشند».

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود:

«پیراهن و تنبان بپوشید و با اهل کتاب مخالفت کنید».

سپس پرسید: «ای رسول خدا! اهل کتاب موزه می‌پوشند اما چلبی (نوعی کفش یا پاپوش) نمی‌پوشند. گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «موزه و نعلین بپوشید و با اهل کتاب مخالفت کنید. گفتیم: ای رسول خدا صلی الله علیه وسلم! اهل کتاب ریش‌شان را کوتاه و بروت‌های‌شان را می‌گذارند. گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: بروت‌های تان را کوتاه و ریش‌های تان را کامل بگذارید و با اهل کتاب مخالفت کنید»^۱.

أبو داود، سنن، کتاب اللباس، باب فی لبس الشهرة، حدیث ۴۰۳۱، ص ۷۲۱.

ابن حجر در «فتح الباری» گفته است: أبو داود آن را به سند حسن تخریج کرده است، ج ۱۰، ص ۲۷۱. در «بلوغ المرام» نیز آمده: این حدیث را أبو داود تخریج و ابن حبان تصحیح کرده است.

ألبانی آن را در «الإرواء»، حدیث ۱۲۶۹، ج ۵، ص ۱۰۹ تصحیح کرده است.

همچنین در «سلسلة الأحادیث الضعیفة والموضوعة» آمده که این حدیث حسن صحیح است، ج ۱۴، ص ۲۴.

^۱ - أحمد، حدیث ۲۲۲۸۳؛ محققان گفته‌اند: اسناد آن صحیح است، ج ۳۶، ص ۶۱۳.

یسترولون: پوشیدن سروال (لنگ یا پیراھن). یتخففون: پوشیدن موزہ یا بوت. عثانینہم: العثانین جمع عثون بہ معنای ریش. یوفرون: از توفیر گرفته شدہ بہ معنی تکمیل. سبالہم: جمع سبلہ بہ معنای بروت^۱.

مطلب سوم: ضوابط شرعی در مورد صدای زن

صدای زن نزد جمہور علما عورت نیست.^۲ قولی وجود دارد کہ می گوید صدای زن عورت است. آن قول امام احمد است و ابن عقیل آن را ترجیح دادہ اما قول معتمد نزد علمای مذهب حنابلہ این است کہ صدای زن عورت نیست.^۳ زیرا آیت واردہ در این خصوص این است: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا» [الأحزاب: ۳۲]؛ «ای ہمسران پیامبر! شما همچون یکی از زنان (عادی) نیستید اگر تقوا پیشہ کنید، پس بہ گونهٔ ہوس انگیز سخن نگویید کہ بیمار دلان در شما طمع کنند، و سخن شایستہ بگویند».

نہی از سخن نرم و ہوس انگیز گفتن، و اجازۂ سخن پسندیدہ دلالت می کند کہ صدای زن عورت نیست، زیرا اگر صدای زن عورت بود، مطلق سخن گفتن زن بد بود، و برای زن سخن معروف پذیرفتہ نمی شد، و در عین حال، خاص سازی نہی از سخن گفتن بہ خصوص بی فایدہ می بود.

^۱ - تعلیقی کہ بالای حدیث قبلی در حاشیۂ مسند امام احمد صورت گرفته نظراندازی شود: ج ۳۶، ص ۶۱۳.

^۲ - إعانة الطالبین، ج ۳، ص ۳۰۲؛ الأم، ج ۲، ص ۱۷۰؛ حاشیة الجمل، ج ۳، ص ۱۰۱؛ حاشیہ رد المحتار، ج ۱، ص ۴۳۷؛ شرح مختصر خلیل للخرشی، ج ۳، ص ۳۵۶؛ حاشیة الدسوقی علی الشرح الكبير، ج ۲، ص ۲۲۶؛ الإنصاف، المرداوي الحنبی، ج ۸، ص ۲۴ [۱]؛ دیدہ شود.

^۳ - الإنصاف، المرداوي الحنبلی، ج ۸، ص ۲۵، دیدہ شود.

و دلیل از سنت بر اینکه صدای زن عورت نیست زیاد است؛ زنانی بودند که نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌آمدند و در حضور مردان با او سخن می‌گفتند، ولی پیامبر صلی الله علیه وسلم نه زنان را از سخن گفتن منع می‌کرد و نه مردان را به ایستادن و دور شدن دستور می‌داد، اگر صدای زن عورت می‌بود، شنیدنش ناپسند بود، از این رو یکی از دو کار باید صورت می‌گرفت (یا زنان را از صحبت کردن در حضور مردان نهی می‌کرد، یا مردان را به رفتن دستور می‌داد) زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم کار ناشایسته‌ای را تایید نمی‌کرد.

اما این سخن پیامبر صلی الله علیه وسلم که فرمود: «هرگاه امری به شما پیش آمد، مردان تسبیح و زنان سرفه نمایند»^۱ این دستور مخصوص نماز است، ظاهر حدیث این است که فرق نمی‌کند که زنان این کار را در حضور مردان انجام دهند و یا در خانه‌ای که جز زنان یا محارم در آن حضور نداشته باشد.

اصل حرمت در آیت، خضوع در صدا است، یعنی نرم و ملایم صحبت کردن زن هنگام خطاب با مردان. از این جهت خدای متعال می‌فرماید: «فَيَطْمَعُ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» [الأحزاب: ۳۲]؛ «طمع می‌کند کسی که در قلب او مرض است. و باید سخن نیکو بگویند».

یعنی: گفتار نیکو، زیبا و شناخته‌شده در خوبی؛ معنای آن این است که زن با بیگانگان با گفتاری سخن بگوید که در آن نرمش نباشد، یعنی زن، بیگانه‌ها را مانند شوهرش مخاطب قرار ندهد.^۲ اما علت تحریم اذان دادن زن در این است که از یک‌سو مشابه به

^۱ - البخاری، کتاب الأحکام، باب الإمام یأتی قوما فیصلح بینهم، حدیث شماره ۷۱۹۰، ج ۹، ص ۷۴.

^۲ - تفسیر ابن کثیر، ج ۱۱، ص ۱۵۰.

مردان می‌شود و از سوی دیگر حرمت نگاه به او، و ترس از افتادن در فتنه و وسوسه بر اثر شنیدن صدایش است.^۱

پس برای زن جایز نیست صدای خود را نرم و لطیف کند به گونه‌ای که باعث فتنه شود. ابن عابدین در کتابش درباره شنیدن (آواز و موسیقی) از امام ابی العباس قرطبی نقل کرده است: «نباید کسی که درک و فهم ندارد گمان کند وقتی می‌گوییم: «صدای زن عورت است» منظورمان سخن گفتن اوست؛ زیرا این برداشت درست نیست، چون ما گفت‌وگو و صحبت با زنان بیگانه را در وقت نیاز جایز می‌دانیم، اما جایز نمی‌دانیم که زنان در هنگام صحبت کردن، صدای‌شان را بلند کنند، آن را کشار نمایند، یا آن را تکه‌تکه و با ناز ادا کنند؛ زیرا اینگونه سخن گفتن، مردان را به سمت آنان جذب کرده و شهوت‌شان را تحریک می‌کند، به همین دلیل اجازه داده نشده است که زن اذان بگوید»، پس ابن عابدین عبارتی را از کتاب «النوازل» نقل می‌کند که تأییدکننده این مطلب است: «نغمه و آهنگ زن عورت است»^۲.

صاحب حاشیه دسوقی مالکی^۳ می‌گوید: ممکن است گفته شود که صدای زن عورت واقعی نیست به دلیل این‌که احادیث از زنان صحابه روایت شده است، بلکه صدای زن بسان عورت است از این جهت که لذت بردن از آن حرام است.^۴

۱ - حاشیه الجمل، ج ۳، ص ۱۰۱.

۲ - حاشیه زد المختار، ج ۱، ص ۴۳۷.

۳ - الدسوقی (۱۲۳۰ هـ - ۱۸۱۵ م) محمد بن أحمد بن عرفة الدسوقی المالکی، فقیه مالکی که در دانشگاه الأزهر تحصیل کرده است. مشهورترین آثار او عبارت‌اند از: «حاشیة علی الشرح الكبير علی مختصر خليل» و «الحدود الفقہیة».

[الجبرتی، ج ۴، ص ۲۳۱؛ شجرة النور الزكية، ج ۱، ص ۳۶۱؛ الأعلام للزركلي، ج ۶، ص ۱۷].

۴ - حاشیة الدسوقی بر شرح الكبير، ج ۲، ص ۲۲۶.



مبحث دوم: حضور اجتماعی زن در ارتباط با نامحرمان

این موضوع در سه مطلب بیان می‌شود:

مطلب اول: ضوابط شرعی اختلاط زن با نامحرمان

مطلب دوم: حکم خلوت با مرد بیگانه

مطلب سوم: ضوابط شرعی سفر زن

مطلب اول: ضوابط اختلاط زن با نامحرمان

خداوند متعال مشارکت هر جنس با جنس دیگر را به وسیله آنچه که مقتضای طبیعت زندگی است محدود کرده است، اما اسلام اختلاط آزاد و بدون مرز و همچنین انس و صمیمی شدن هر جنس را با جنس دیگر حرام کرده است و چنین کاری را برای جلوگیری از وقوع در فتنه و سقوط در مهلکه‌ها انجام داده است.

این بدان معنا نیست که زن از جامعه مسلمان دور کرده شده و محکوم به زندانی خانگی گردد! زن در جامعه عصر پیامبر از خانه بیرون می‌شد تا نقش خود را در زندگی ایفا کرده و در ساختن جامعه فاضله مشارکت داشته باشد، آنگونه که به میدان جهاد می‌رفت تا زخمی‌ها را مداوا و تشنگان را سیراب کند. از ام عطیه رضی الله عنها^۱ نقل است که گفت: «در هفت غزوه با رسول الله صلی الله علیه وسلم بودم، در نبودشان در اردوگاه می‌ماندم، برای‌شان غذا درست می‌کردم، زخمیان را تداوی می‌کردم، مریضان را پرستاری می‌کردم»^۲.

زن در عصر نبوت به مسجد یا نمازخانه می‌رفت تا بیاموزد و از امور دینی خود بپرسد: از ام عطیه روایت است که فرمود: به ما دستور داده شد که زنان مبتلا به مریضی ماهوار و زنان پرده‌نشین را روز عید بیرون بیاوریم تا در جماعت مسلمانان و دعای‌شان حاضر شوند، اما زنان مریض ماهوار از نمازگاه کناره‌گیری کنند، زنی گفت: ای رسول خدا یکی

^۱ - ام عطیه؛ نسبیة دختر حارث و مادر عطیه و از زنان بزرگ صحابه بود که احادیثی از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت کرده است. انس ابن مالک و محمد بن سیرین از او روایت کرده‌اند. [نگاه کنید به: الاصابة: ج ۴، ص ۴۷۷ و الاستیعاب: ج ۴، ص ۴۷۱].

^۲ - مسلم، کتاب الجهاد والسير، باب النساء الغزوات یرضخ لهن ولا یسهم، حدیث ۱۸۱۲، ج ۳، ص ۱۴۴۷.

از ما چادر ندارد، فرمود: «باید دوستش از چادر خود او را بپوشاند»^۱ نووی رحمه الله علیه میگوید: «از این حدیث بر می آید که حاضر شدن [زنان] در اجتماعات خیر، دعای مسلمانان، حلقه‌های ذکر و آموزش و امثال آن مستحب است»^۲.

از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت است: زنان به پیامبر صلی الله علیه وسلم گفتند: «مردان بر ما پیشی گرفته‌اند (و فرصت بیشتری برای دیدار با شما دارند)، پس روزی را از جانب خود برای ما اختصاص بده، پس پیامبر صلی الله علیه وسلم روزی را به زنان اختصاص داد که در آن با ایشان دیدار کرده و آن‌ها را موعظه نموده و به آن‌ها دستوراتی می‌داد»^۳. زنان حتی در عبادت با مردان آمیخته نمی‌شدند، بلکه در نماز پشت سر صف‌های مردان می‌ایستادند، رسول الله صلی الله علیه وسلم دروازه ویژه برای زنان در مسجد تعیین کرد. نافع از ابن عمر رضی الله عنهما روایت کرده که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «کاش این دروازه را برای زنان بگذارید» نافع می‌گوید: ابن عمر تا زمان وفاتش از آن دروازه وارد نمی‌شد^۴. پیامبر صلی الله علیه وسلم در هنگام بیرون شدن مراقب بود تا با مردان آمیخته نشوند، از ام سلمه روایت است که گفت: «پیامبر صلی الله علیه وسلم وقتی سلام می‌داد؛ زنان با تمام شدن سلام، بلند می‌شدند، و پیامبر صلی الله علیه وسلم پیش از اینکه برخیزد، کمی در جای خود می‌ماند،

۱ - شرح النووی علی مسلم، ج ۶، ص ۴۸۶.

۲ - شرح النووی علی مسلم، ج ۶، ص ۴۸۶.

۳ - البخاری، کتاب العلم، باب هَلْ يَجْعَلُ لِلنِّسَاءِ يَوْمَ عَلِيْحَةِ فِي الْعِلْمِ، حدیث شماره ۱۰۱، ج ۱،

ص ۳۲.

۴ - أبو داود، کتاب الصلاة، باب التَّشْدِيدِ فِي ذَلِكَ، ای: فی خروج النساء الی المسجد، حدیث شماره

۵۷۱، ج ۱، ص ۲۲۳. البانی این حدیث را در صحیح سنن ابوداود تصحیح کرده است، ج ۲،

ص ۲۶۰.

زهری می گوید: فکر می کنم^۱ - خدا داناتر است - که این درنگ بخاطر این بود که زنان پیش از دیده شدن، برگردند»^۲.

همچنان زن در اجتماع نبوت از خانه بیرون می شد تا کار کند و خوراکی بدست آرد، زیرا سرپرست عیال خویش را از دست داده بود.

از جابر رضی الله عنه روایت است که گفت: «خاله ام طلاق داده شد، و خواست درختان خرما را خود را بچیند، اما مردی او را به دلیل بیرون شدن از خانه سرزنش کرد، نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و آن حضرت فرمود: نخیر خرما هایت را بچین [و در روایت ابوداود آمده است: بیرون رو و خرما را خود را بچین] زیرا ممکن است صدقه دهی یا کار نیکی را انجام دهی»^۳.

اصل بر آن است که کار زن، رسیدگی به خانه، شوهر و فرزندانش باشد، به همین دلیل نفقه او بر شوهرش است، حتی اگر خودش ثروتمند باشد، و به همین لحاظ، مرد سرپرست (قیم) زن قرار داده شده است.

خداوند می فرماید: «الرَّجَالُ قَوَّמוْنَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» [النساء: ۳۴]؛ «مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، بخاطر برتری هایی که خداوند برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، و بخاطر هزینه های که از اموال شان می کنند».

^۱ - یعنی این گفته زهری است که در آن اضافه شده. [عمدة القاري شرح صحيح البخاري، بدرالدین العینی، ت: ۸۵۵ هـ، ج ۶، ص ۱۵۹].

^۲ - البخاري، كتاب الاذان، باب صَلَاةُ النِّسَاءِ خَلْفَ الرَّجَالِ، حديث شماره ۸۷۰، ج ۱، ص ۱۷۳.

^۳ - مسلم، صحيح، كتاب الطلاق، باب جواز خروج المعتدة البائن والمتوفى عنها زوجها في النهار لحاجتها، حديث ۱۴۸۳، ج ۲، ص ۱۱۲۱.

أبو داود، سنن، كتاب الطلاق، باب في المبتوتة تخرج بالنهار، حديث ۲۲۹۹، ج ۲، ص ۲۵۷.

و زن به مستندات دیگری نیز از خانه خارج می‌شد، اما همه این‌ها تابع ضوابط شرع بوده و بیرون از دایره آن نبود و بر اساس نیاز و مقتضیات زندگی صورت می‌گرفت. خلاصه اینکه: حکم اختلاط مردان و زنان بر اساس سازگاری یا عدم سازگاری آن با قواعد شریعت متفاوت است؛ بنابراین، اختلاط در حالات زیر حرام است:

الف - خلوت با زن بیگانه یا نگاه کردن به او با شهوت.

ب - بی باکی و بی حجابی زن.

ج - اگر شوخی، سرگرمی، خوشگذرانی و تماس بدنی انجام شود.^۱

مطلب دوم: حکم خلوت با مرد نامحرم

جایز نیست که زن با مرد بیگانه (کسی که نه شوهر اوست و نه محرمش) خلوت کند، حتی در محل کار. مراد از خلوتی که در شریعت از آن نهی شده باشد، این است که زن و مرد در مکانی باشند که از ورود شخص سوم ایمن باشند.

امام ابوحنیفه گفته است: «خوش ندارم (کراهِت دارم) مردی زن آزاد را استخدام کند و با او خلوت نماید؛ زیرا خلوت با زن بیگانه معصیت است»^۲.

اصل در این باره روایت ابن عباس رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم است که فرمود: «هیچ مردی با زنی خلوت نکند مگر در حضور محرمش»^۳.

۱ - الموسوعة الفقهية الكويتية، ج ۲، ص ۲۹۰.

۲ - بدائع الصنائع، ج ۴، ص ۱۸۹؛ الفواکه الدوائی، ج ۲، ص ۴۳۸؛ منتهی الإرادات، ج ۳، ص ۷؛ المغنی، ج ۶، ص ۵۳؛ الأحکام السلطانیة للماوردی، ص ۲۵۷ و ۲۴۸؛ التبصرة بهامش فتح العلی، ج ۱، ص ۲۹۶.

۳ - البخاری، صحیح، کتاب النکاح، باب «لا یخلو الرجل بامرأة إلا ذو محرم والدخول علی المغیبة»، حدیث ۵۲۳۳، ج ۷، ص ۳۷.

یعنی: مرد نباید با زن بیگانه که محرم یا همسرش نیست خلوت کند؛ زیرا شیطان در خلوت میان آن دو به انجام کاری وسوسه می‌کند که حرام است. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرموده است: «هیچ مردی با زنی خلوت نمی‌کند مگر این که سومی آن شیطان می‌باشد»^۱.

اگرچه خلوت کردن به ظاهر اشکالی ندارد و لزوماً به معنای وقوع در فحشا نیست، اما چون غالباً وسیله‌ای برای آن است، شرع آن را حرام کرده است، این تحریم از نوع تحریم وسایل است مانند این فرموده پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم: «فرزندان‌تان را در سن هفت سالگی دستور به نماز خواندن دهید، و در سن ده سالگی آن‌ها را به خاطر نماز بزنید و خوابگاه‌شان را جدا کنید»^۲.

مسلم، صحیح، کتاب الحج، باب سفر المرأة مع محرم إلى الحج وغيره، حدیث ۱۳۴۱، ج ۲، ص ۹۷۸.

۱ - أحمد، حدیث ۱۷۷؛ محققان گفته‌اند: این حدیث صحیح است، ج ۱، ص ۳۱۰. الترمذی، سنن، کتاب الفتن، باب ما جاء في لزوم الجماعة، حدیث ۲۱۶۵؛ ابوعیسی ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیح است، ج ۴، ص ۴۶۵. الحاکم آن را تصحیح کرده است، ج ۱، ص ۱۱۴. ابن حبان، حدیث ۵۵۸۶؛ از سرزنش مردی یاد کرده که با زن بیگانه خلوت می‌کند، هرچند او را غایب نبیند. شعیب أرناؤوط که تحقیق کرده است می‌گوید: اسناد این حدیث به شرط هر دو (بخاری و مسلم) صحیح است، ج ۱۲، ص ۳۹۹.

شیخ عبدالقادر أرناؤوط در «جامع الأصول» نیز آن را صحیح دانسته است، ج ۶، ص ۶۶۹. ۲ - أبو داود، سنن، کتاب الصلاة، باب «متی يؤمر الغلام بالصلاة»، حدیث ۴۹۵، ج ۱، ص ۱۸۵. شیخ عبدالقادر أرناؤوط گفته است: اسناد آن حسن است، «جامع الأصول»، ج ۵، ص ۱۸۷. البانی نیز حسن بودن آن را در «المجموع»، ج ۳، ص ۱۰ و در «الإرواء الغلیل»، ج ۲، ص ۴۰۲ نقل کرده است؛ وی از نووی نیز نقل کرده است.

دستور جدا سازی بستر خواب فرزندان از ترس این است که خواب‌شان در یک بستر منجر به وقوع فاحشه می‌شود.

مطلب سوم: ضوابط شرعی سفر زن

فقها اتفاق نظر دارند که سفر کردن زن به تنهایی حرام است و حتماً باید محرم یا همسر همراهش باشد. نووی می‌گوید: علما اتفاق دارند که زن نباید در غیر حج و عمره^۱ سفر کند مگر با محرم، مگر در هجرت از دار حرب، و اتفاق دارند که در این حالت، حتی اگر محرم نداشته باشد، هجرت از دار حرب به دار اسلام بالایش واجب است، دلیل این تفاوت این است که ماندن در دارالکفر در صورتی که نتواند دین خود را آشکار کند و ترس بر دین و جان وجود داشته باشد، حرام است؛ اما تأخیر در حج این‌طور نیست و در وجوب فوری یا تأخیر آن اختلاف است.^۲

^۱ - مالکی‌ها و شافعی‌ها اجازه داده‌اند که زن برای حج فرضی با همراهی فرد قابل اعتماد سفر کند. منابع: مواهب الجلیل، ج ۲، ص ۵۲۲؛ حاشیه الدسوقی، ج ۲، ص ۹؛ مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۴۶۷. استدلال به حدیثی شده است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم عدی بن حاتم را مخاطب قرار داد و فرمود: اگر حیات باقی بود، خواهی دید که زنی از حیره به تنهایی سفر می‌کند تا کعبه را طواف کند و از هیچ‌کس جز خدا ترسد. این حدیث را بخاری روایت کرده است، ج ۴، ص ۱۹۷ [رواه البخاری، ۴/ ۱۹۷]. پاسخ داده شده که این خبر دلالت بر وجود سفر زن دارد، نه بر جواز آن؛ و گفته شده که این خبر در زمینه مدح و بالابردن پرچم اسلام است، بنابراین بر جواز سفر زن حمل می‌شود. [فتح الباری، ابن حجر، ج ۴، ص ۷۶].

^۲ - شرح النووی علی مسلم.

مالکی‌ها و شوافع اجازه داده‌اند که زن برای حج فرضی با کاروان مطمئن^۱ سفر کند. دلیل آن‌ها حدیث عدی بن حاتم است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «اگر عمرت طولانی شود، خواهی دید که زنی از حیره (شهری در عراق) به تنهایی سفر می‌کند تا کعبه را طواف کند و از هیچ‌کس جز خدا نترسد»^۲.

البته برخی این حدیث را دلیل بر جواز نمی‌دانند، بلکه فقط بیان وقوع چنین امری می‌دانند، پاسخ داده شده که این حدیث در مقام مدح و بیان شکوه اسلام است، پس باید بر جواز حمل شود^۳.

۱- از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «برای زنی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد، جایز نیست مسافتی به اندازه یک روز و یک شب را بدون محرم سفر کند»^۴.

۲- از ابن عمر رضی الله عنهما از پیامبر صلی الله علیه وسلم نقل است که فرمود: «زن نباید سه روز سفر کند مگر با محرم»^۵.

۳- از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «زن نباید سفر کند مگر با محرم، و نباید مردی بر او وارد شود مگر اینکه محرمی همراهش باشد، مردی گفت: ای رسول خدا، من می‌خواهم در فلان لشکر

۱- مواهب الجلیل، ج ۲، ص ۵۲۲؛ حاشیه الدسوقی، ج ۲، ص ۹؛ مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۶۷.

۲- البخاری، کتاب المناقب، باب علامات النبوة فی الإسلام، حدیث شماره ۳۵۹۵، ج ۴، ص ۱۹۷.

۳- فتح الباری، ابن حجر، ج ۴، ص ۷۶.

۴- البخاری، کتاب تقصیر الصلاة، باب فی کُم یُقَصِّرُ الصَّلَاةَ، حدیث شماره ۱۰۸۸، ج ۲، ص ۴۳.

۵- البخاری، کتاب تقصیر الصلاة، باب فی کُم یُقَصِّرُ الصَّلَاةَ، حدیث شماره ۱۰۸۸، ج ۲، ص ۴۳.

شرکت کنم، و همسر من می‌خواهد به حج برود، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمود: با او برو».^۱

این احادیث به وضوح بر حرمت سفر زن بدون محرم دلالت دارند.

^۱ - البخاری، کتاب جزاء الصيد، بَابُ حَجِّ النِّسَاءِ، حدیث شماره ۱۸۶۲، ج ۳، ص ۱۹.



مبحث سوم: اشتغال زن و فعالیت او در رسانه‌های دیداری

در این مبحث دو مطلب است:

مطلب اول: ضوابط شرعی خروج زن برای کار

مطلب دوم: ضوابط شرعی فعالیت زن در رسانه‌های دیداری

مطلب اول: ضوابط شرعی خروج زن برای کار

خداوند متعال موجودات را آفرید و برای هر موجود وظیفه مشخص قرار داد که دیگران نمی‌توانند آن را مانند او انجام دهند، و به این توازن زیستی/ تعادل طبیعی گفته می‌شود، خداوند مخلوقات را به دو جنس مرد و زن تقسیم کرد، و برای هر جنس وظایف مناسب با توانایی‌ها و امکانات و نوع آفرینش آن تعیین نمود.

تقسیم طبیعی در هستی اقتضا می‌کند که کار طبیعی مرد بیرون از خانه باشد و کار طبیعی زن داخل خانه؛ زیرا خانه محل طبیعی تحقق وظایف زنانه و نتایج آن است، ماندن زن در خانه، حکم دیواری را دارد که ویژگی‌های آن وظایف و قوانین‌شان را حفظ می‌کند، و محیط گرم و باثبات روانی و ذهنی فراهم می‌آورد^۱.

مطالعات نشان داده تفاوت‌های زیادی در ساختار جسمی، روانی و عقلانی بین مرد و زن وجود دارد، در عین حال زن دچار اموری می‌گردد که مانع می‌شود تا کار خود را در بیرون از خانه به‌طور کامل انجام دهد، مانند مریضی ماهوار، مریضی پس از زایمان، دوران حاملگی، شیردادن نوزاد، مراقبت از کودک و امثال آن.

کمااین‌که کار ثمربخش آن است که بر مبنای تخصص انجام شود؛ هر فرد کار خاص خود را دارد، مرد باید نفقه خانه را تأمین کند و برای آن زحمت کشیده و کار کند، و زن باید مراقب خانه باشد، فرزندان را تربیت کند و به امور شوهر رسیدگی نماید.

^۱ - کتاب المرأة تعلیمها وعملها فی الشریعة الإسلامیة، نوشته علی الأنصاری، ص ۶۵ دیده شود.

برای زن در خانه کارهایی در حد توانش است، که اگر به خوبی آن را انجام دهد، موجب تشکیل خانواده خوشبخت می‌شود، و مادر، هسته تولید نسل موفق برای جامعه است.^۱ هدفم از این گفته‌ها، تحریم کار زن در بیرون خانه نیست، بلکه منظورم این است که در اینجا کارهای ویژه برای زنان است که آن‌ها باید انجام دهند مانند پزشکی، معلمی، آرایشگری و امثال آن، اما مشغول شدن زن در کارهایی که مردان نیز می‌توانند آن را انجام دهند، به باور من زمانی جواز پیدا می‌کند که ضرورت احساس شود و آنهم با رعایت ضوابط شرعی که از این قرار است:

۱- ضوابط لباس که قبلاً ذکر شد.^۲

۲- عدم اختلاط حرام با مردان نامحرم که قبلاً توضیح داده شد.^۳

۳- اینکه کار، معصیت یا عیب‌آور نباشد و موجب بدنامی خانواده زن نشود.^۴

۴- ایجاد تعادل میان وظایف خانه و کار: زن موظف است تا به امور خانه، شوهر و فرزندان رسیدگی کند و همزمان مسئولیت‌های کاری خود را نیز انجام دهد و خداوند از همه آنها سوال خواهد کرد، که آیا حق را به حقدار رسانده است؟ از عبدالله بن عمر رضی الله عنه روایت است که او از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنیده که فرمود: «همه شما ناظر و مسئول رعیت خود هستید، امام ناظر و مسئول رعیت است، مرد در

^۱ - کتاب عمل المرأة في الميزان، نوشته عبدالله بن وکیل الشیخ، ص ۱۱؛ دیده شود.

^۲ - در مطلب دوم مبحث اول فصل پنجم.

^۳ - در مطلب اول مبحث دوم فصل پنجم.

^۴ - کتاب عمل المرأة، نوشته هند الخولی، ص ۱۶۶؛ دیده شود.

خانواده‌اش ناظر است و مسئول رعیت خود، زن در خانه شوهرش ناظر و مسئول رعیت خود، خدمتکار در مال اربابش ناظر و مسئول رعیت است»^۱.

۵- کار زن نباید مانع یا کاستن درآمدزایی مردان شود؛ زیرا این امر موجب اختلال در مسئولیت مردان در نفقه زنان خواهد شد؛ طبق قاعده شرعی: آنچه که بدون آن واجبی انجام نمی‌شود، خود آن واجب است و آنچه منجر به حرام شود، حرام است، چنانچه بحث آن در باب ذرایع گذشت.^۲

۶- اجازه ولی امر: زن اگر ازدواج نکرده، نباید بدون اجازه پدر برای کار بیرون شود، خدای متعال فرموده است: «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ» [البقرة: ۲۳۳]؛ «وآنکس که فرزند برای او متولد شده (پدر) باید خوراک و پوشاک مادر را به گونه شایسته بپردازد».

دختر نباید بدون اجازه پدر که بر او نفقه می‌کند از خانه بیرون شود^۳، این حکم از باب ولایت پدر در نکاح و از باب نیکی و صله‌ای است که رعایت آن در شریعت واجب است. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم اجازه بیرون شدن به جهاد را بدون اجازه پدر و مادر نمی‌داد. روایتی از ابوسعید خدری است که مردی از یمن به‌سوی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم هجرت کرد، و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم از او پرسید: «آیا کسی در یمن داری؟» گفت: «پدر و مادرم». پیامبر پرسید: «آیا برای شما اجازه دادند؟» گفت: نه‌خیر، پیامبر فرمود: «بازگرد و از آنها

^۱ - البخاری، کتاب النکاح، باب الْمَرْأَةُ رَاغِيَةٌ فِي نَيْتِ زَوْجِهَا، حدیث شماره ۵۲۰۰، ج ۷، ص ۳۱.

^۲ - مبحث اول فصل اول دیده شود.

^۳ - رد المحتار، ج ۳، ص ۶۱۲؛ مغنی المحتاج، ج ۳، ص ۴۴۸.

اجازہ بگیر، اگر اجازہ دادند جهاد کن وگرنہ بہ آن‌ها نیکی کن»^۱۔ مانند جهاد، خروج برای کار ہم نیازمند اجازہ والدین است^۲۔

اگر زن ازدواج کردہ باشد، باید اجازہ شوہر را داشتہ باشد: «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيَّهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» [البقرہ: ۲۲۸]؛ زنان بر شوہران حقوقی دارند آنگونہ کہ شوہران بر آن‌ها دارند۔ چنانچہ زن بالای شوہر حق مہر و نفقہ دارد، مکلف است از شوہر خود در ماندن در خانہ فرمانبرداری کند تا فرصت مناسب برای امور زناشوہری، خانہ و مراقبت فرزندان داشتہ باشد^۳۔

در داستان حادثہ افک آمدہ است کہ عائشہ رضی اللہ عنہا برای رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم گفت: «برایم اجازہ بدہ نزد پدر و مادرم بروم، عائشہ گفت: در آن وقت می خواستم حقیقت ماجرا را از آن‌ها جو یا شوم، پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم برایم اجازہ داد، و نزد ایشان آمدم»^۴۔ ابن حجر می گوید: «از این داستان بر می آید کہ بیرون شدن زن از خانہ، موقوف بہ اجازہ شوہر است ولو کہ بہ ہدف رفتن بہ خانہ پدر و مادر باشد»^۵۔

^۱ - ابو داود، سنن، کتاب الجہاد، باب «فی الرجل یغزو وأبواہ کارہان»، حدیث ۲۵۳۲، ج ۲، ص ۳۲۴۔

ألبانی این حدیث را بر اساس مجموع روش آن در «الإرواء الغلیل»، ج ۵، ص ۲۱ صحیح دانستہ است۔

^۲ - کتاب عمل المرأة، ضوابطہ، أحكامہ، ثمراتہ، نوشتہ ہند محمود الخولی، چاپ دار الفارابی للمعارف، دمشق، ط ۱، ۱۴۲۱ھ/ ۲۰۰۱م، ص ۱۵۴؛ دیدہ شود۔

^۳ - بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۳۳۲؛ القوانين الفقہیۃ، ابن جزّی، ص ۲۱۳؛ مغنی المحتاج، ج ۳، ص ۴۳۷؛ کشاف القناع، ج ۵، ص ۴۲۶۔

^۴ - البخاری، کتاب الشہادات، باب تعدیل النساء بعضہن بعضاً، حدیث شمارہ ۲۶۶۱، ج ۳، ص ۱۷۳۔

^۵ - فتح الباری، ابن حجر، ج ۸، ص ۴۸۰۔

از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که گفت: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم می‌فرمود: «زنان خود را از رفتن به مساجد منع نکنید اگر از شما اجازه گرفتند»^۱. حدیث مذکور می‌رساند که شوهر، مرجع اجازه گرفتن زن به بیرون رفتن است، و شوهر حق دارد که اجازه دهد یا منع کند، به همین دلیل است که [گفته شده از رفتن به مسجد] منع‌شان نکنید. اصل این است که شوهر می‌تواند مانع بیرون شدن زن گردد و اگر زن بدون اجازه شوهر خارج شد، نافرمان به حساب آمده و نفقه‌اش ساقط می‌شود^۲. عبدالله بن عمر رضی الله عنهما می‌گوید: «اگر مرد زنش را یک طلاق یا دو طلاق داد، حق ندارد از خانه بیرون شود مگر به اجازه شوهر»^۳.

یعنی اگر مرد همسرش را طلاق سوم نداده باشد، آن زن همچنان در سایه و حمایت زندگی زناشویی است، حتی اگر در دوران عده (دوران پس از طلاق رجعی که زن باید در خانه شوهر بماند) باشد. و چون هنوز در زیر پوشش زناشویی قرار دارد؛ احکام و حقوق زناشویی بر او واجب است و به همین دلیل، خروج او از منزل بدون اجازه شوهرش جایز نیست.

مطلب دوم: ضوابط شرعی برای فعالیت زن در رسانه‌های دیداری

کار زن در رسانه‌های دیداری ویژگی خاص دارد، زیرا زن در مقابل انواع مخاطبان ظاهر می‌شود که در میان‌شان، فاسق، غیرمسلمان، نوجوان و کسانی که نگاه خود را

۱ - مسلم، کتاب الصلاة، باب خروج النساء إلى المساجد، حدیث شماره ۴۴۲، ج ۱، ص ۳۲۷.

۲ - ابن عابدین، ج ۱، ص ۳۸۰؛ الدسوقی، ج ۲، ص ۳۴۳؛ المجموع، ج ۴، ص ۸۳؛ المغنی ج ۷، ص ۲۰.

۳ - مصنف ابن أبي شيبة، کتاب الطلاق، باب مَنْ قَالَ: لَا تُخْرَجُ مِنْ بَيْتِي إِلَّا بِإِذْنِ زَوْجِي إِذَا كَانَ يَمْلِكُ الرَّجْعَةَ، حدیث شماره ۱۸۹۵۳، ج ۴، ص ۱۶۳.

نمی‌پوشانند قرار دارد، اگر اجازه دهیم زن مقابل همه ظاهر شود، او را در معرض دید همه قرار داده‌ایم که دارای مفاسد فراوان است.

زن مسلمان مأمور به حجاب^۱ و مرد، مأمور به فروگذاشت نگاه است؛ ظاهر شدن زن به عنوان مجری یا بازیگر در رسانه دیداری خلاف حجاب است و مرد را در معرض نگاه

۱- جمهور علما بر وجوب پوشاندن صورت هنگام ترس از فتنه اتفاق نظر دارند، چه کسانی که معتقدند صورت زن عورت است، مانند شافعی‌ها و حنابله، و چه کسانی که معتقدند صورت زن عورت نیست، مانند حنفیه و مالکیه:

• ابن عابدین حنفی گفته است: «زن جوان از آشکار کردن چهره در حضور مردان منع می‌شود، نه به این دلیل که چهره عورت است، بلکه به خاطر ترس از فتنه؛ یعنی زن از آشکار شدن چهره منع می‌شود چون مردان ممکن است چهره او را ببینند و فتنه ایجاد شود، زیرا با آشکار شدن چهره ممکن است نگاه‌ها با شهوت به او بیفتد». [رد المحتار، ج ۱، ص ۲۷۲].

محمد عرفة الدسوقي المالکی گفته است: «اگر ترس فتنه از آشکار شدن باشد، پوشاندن صورت و دست‌های زن واجب است». [حاشیه او بر الشرح الكبير للدردیر، ج ۱، ص ۲۰۰]

• الشروانی الشافعی گفته است: «هرگاه یقین حاصل شود که مرد بیگانه‌ای به زن نگاه می‌کند، بر او واجب است که صورتش را از او بپوشاند، وگرنه در کمک به او در انجام حرام شریک است و به آن گناهکار می‌شود». [حاشیه الشروانی علی تحفة المحتاج، ج ۶، ص ۱۹۳]

• ابن مفلح حنبلی گفته است: «احمد (ابن حنبل) گفت: زن زینت خود را آشکار نمی‌کند مگر برای کسانی که در آیه محارم ذکر شده‌اند. و ابوطالب نقل کرده است که ناخن زن عورت است، پس هنگامی که بیرون می‌رود، هیچ چیزی را آشکار نکند، حتی کفشش را؛ زیرا کفش (نازک) شکل پا را نشان می‌دهد. و نزد من محبوب‌تر است که آستین لباسش را در قسمت معج دست با دکمه یا گیره‌ای ببندد».

[الفروع، ج ۱، ص ۶۰۱]

• شیخ محمد أحمد إسماعیل المقدم در کتاب خود أدلة الحجاب (دار الإیمان، اسکندریه، ۱۴۲۳ هـ / ۲۰۰۲ م) حدود ۳۰۰ صفحه از مجموع ۵۰۰ صفحه کتاب را به بیان دلایل پوشاندن صورت و قوی‌ترین نظرات علمای مربوط به این موضوع اختصاص داده است.

نامشروع قرار می‌دهد، به‌ویژه که رسانه‌ها معمولاً زنان زیبا و آرایش‌کرده را انتخاب می‌کنند که با لباس‌های جذاب ظاهر می‌شوند، همچنین این زنان در محل کار با مردان نامحرم ارتباط دارند و نیازمند تمرین، تعویض لباس، آرایش و سفر برای تصویربرداری در جاهای مختلف هستند.

اما برخی بزرگواران^۱ از ضرورت ظاهر شدن زن در رسانه‌های دیداری سخن گفته‌اند؛ زیرا زنان بخش جداناپذیر جامعه‌اند و برای واقعی شدن کار نمایشی، وجود زن الزامی است، استدلال آن‌ها این است که قرآن داستان‌هایی را نقل کرده و از زنان در آن‌ها یاد نموده است.

پاسخ ما این است که در داستان‌ها، زن نشان داده نمی‌شود و می‌توان داستان‌ها را نوشت و زنان را در آن ذکر کرد، اما مقایسه حضور زن در فیلم و رسانه با ذکر داستان‌های قرآنی قیاس نادرست است.

زن می‌تواند با حفظ پاکی و حیا، در حوزه‌های دیگر رسانه‌ای فعالیت کند، مانند ویرایش، نویسندگی و تهیه برنامه‌های فرهنگی، دینی، اجتماعی و ادبی، نوشتن داستان‌ها، که مردان نوشته‌های آن‌ها را می‌خوانند و برنامه‌هایی را که آن‌ها تهیه کردند ارائه می‌کنند. اما اینکه زن به عنوان مجری با آرایش و زیبایی خبر را در کنار همکاران مرد ارائه دهد و مردان به او نگاه کنند،^۲ این جایز نیست و فتوایی که چنین کاری را سهل و آسان نشان می‌دهند نمی‌خواهیم.

^۱ - قرضاوی، أولویات الحركات الإسلامية، ص ۳۹۱.

^۲ - ما شنیده‌ایم که مردم درباره زیبایی مجری‌های زن صحبت می‌کنند و برخی را از نظر زیبایی بر دیگران برتری می‌دهند... در حالی که استادان رسانه تأکید می‌کنند که مجری زن باید زیبایی و آرایش

اگر ضرورت ایجاب کند که بازیگران زن حتماً در رسانه حضور داشته باشند تا نقش‌ها، واقعی جلوه کند، باید این بخش را به زنان غیرمسلمانان سپرد^۱ اما مکلف شوند تا ضوابط شرعی را در لباس رعایت کنند، به دست و صورت آرایش نداشته باشند، از زنان بزرگسال

متوسطی داشته باشد تا توجه بیننده برنامه را جلب نکند و ذهن او را —چه به دلیل زشتی یا زیبایی اش— مشغول نسازد.

[المذیع وفن تقديم البرامج في الراديو والتلفزيون، د. کرم شلبي، دار الشروق، جده، ۱۹۸۶م].

^۱ - همان‌طور که شیخ محمد رشید رضا در فتوایی که در ابتدای این بحث نقل کردم، اعلام کرده است، و همان‌طور که استاد ما دکتر عمادالدین الرشید در دیداری خصوصی با او پیشنهاد داد..

استفاده شود،^۱ یا دختران پیش از بلوغ استخدام گردد که معمولاً جاذبه جنسی ندارند،^۲ از استخدام زنان زیبا و فتنه‌آور پرهیز شود، صحنه‌های فعالیت زنان باید کوتاه و دور از

۱ - وَالْقَوْعُدُ مِنَ النِّسَاءِ الَّتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا ۚ فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»

[النور: ۶۰]

ترجمه: «زنان از کار افتاده‌ای که امید به ازدواج ندارند، گناهی بر آنان نیست که لباس‌های خود را بر زمین بگذارند، در حالی که خودآرایی نکنند. و اگر خود را بپوشانند برای آنان بهتر است و خداوند شنوا و داناست.»

القواعد: زنان سالخورده یا از کار افتاده که به‌خاطر سن دیگر قادر به انجام وظایف نیستند، دیگر بچه‌دار نمی‌شوند و خون حیض ندارند. این نظر اکثر علماست.

ربیع‌ه گفته است: زنانی که وقتی آن‌ها را می‌بینی، به‌خاطر سن‌شان برایت ناخوشایندند.

قرطبی گفته است: تنها این زنان سالخورده خاص شمرده شده‌اند؛ زیرا مردم از آن‌ها روی‌گردان می‌شوند و مردان نسبت به آن‌ها رغبت ندارند. بنابراین برای آن‌ها چیزهایی اجازه داده شده که برای دیگران اجازه داده نشده و بار حفظ و مراقبت سخت از آن‌ها برداشته شده است.

[تفسیر القرطبی، ج ۱۲، ص ۳۰]..

۲ - اگر گفته شود: «برای هر زن سالخورده یا ساقط (کسی که دیگر توانایی جنسی ندارد) فردی جذب‌کننده وجود دارد»، باید گفت این مورد نادر است و نادر قابل استناد نیست. دستور شرعی بر اساس احتمال فتنه و نگاه نامحرم است، نه صرفاً جذابیت یا گرایش فرد.

کسی که به زن، چه جوان و چه پیر، تمایل دارد، بدون توجه به سن، حکم نامحرم برای او جاری است و رعایت حجاب واجب است. حتی برخی افراد ممکن است با مردان جذاب فریب بخورند یا افراد منحرف (همجنس‌گرا) نیز جذب شوند، حتی اگر آن مردان مسن باشند.

بنابراین، به این افراد نیز دستور داده می‌شود که از نظر پوشش و حجاب رعایت کنند. گرچه احتمال فتنه کم باشد، اصل احتیاط اقتضا می‌کند که حداقل پوشش رعایت شود و از شرایطی که ممکن است موجب تحریک یا گناه شود، اجتناب گردد.

تمرکز زیاد بر آنان باشد، نورپردازی ضعیف باشد تا جزئیات دقیق نمایش داده نشود، دوربین باید کمتر روی زن متمرکز شود و از حرکات تحریک‌کننده اجتناب کند و از گفتار نرم و تحریک‌آمیز دوری جوید، یعنی کوتاه و به قدر ضرورت سخن بگوید. چون ضرورت‌ها به میزان و مقدار خودشان سنجیده می‌شوند.

آنچه مرا به این ترجیح و سخت‌گیری در ضوابط واداشت، این است که شریعت در مورد امور مربوط به زنان بسیار احتیاط کرده است، و پیش‌تر نیز برخی از احکام مربوط به این موضوع را بیان کردیم.^۱

و چیزی که مایه تأسف است، واقعیت بیشتر رسانه‌های دیداری امروز است که در اغلب جلوه‌های خود با اصول شریعت پاک و ضوابطی که قرآن کریم بیان کرده و سنت پاک پیامبر آن را تأکید کرده، منافات دارد.

رسانه‌های دیداری معاصر، زن را از زنانگی اش تهی کرده‌اند، و لباس حیا و عفاف را از او گرفته‌اند، و او را از زیباترین صفتی که زن گرامی و پاک‌دامن می‌تواند بدان آراسته باشد، محروم کرده‌اند.

امروز می‌بینیم که زن در رسانه‌های دیداری همانند مرد کار می‌کند، بی‌آن‌که تفاوت‌ها در نظر گرفته شود؛ بلکه زن بیش از مرد در معرض ابتذال قرار می‌گیرد، و بیشتر رسانه‌ها با او نه به‌عنوان روح و فکر، بلکه به‌عنوان جسمی که تنها برای پاسخ‌گویی به شهوت‌ها و غرایز حیوانی است، برخورد می‌کنند؛ و او را همچون کالای تبلیغاتی می‌نگرند.

^۱ - مانند حرمت خلوت کردن و لمس، و دستور به نگاه نکردن، و حرمت سفر کردن بدون محرم، و دستور به پوشش (حجاب)، و حرمت تسلیم شدن به گفتار (مطیع شدن)، و حرمت آشکار کردن زینت، و بیرون رفتن با عطر در حضور مردان بیگانه.

با وجود همه شعارهای فریبده‌ای که پشت آن پنهان می‌شوند، مانند: آزادی زن، برابری او با مرد، دفاع از حقوق زن... و دیگر شعارهایی از این دست که برای فریب برخی اذهان به کار می‌برند. پیامبر صلی‌الله علیه وسلم فرموده است: «پس از من، فتنه‌ای برای مردان زیانبارتر از زنان نخواهد بود»^۱.

^۱ - البخاری، صحیح، کتاب النکاح، باب «ما یُتَّقَى من شؤم المرأة» و اشاره به آیه قرآن: «إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَّكُمْ» [التغابن: ۱۴]؛
یعنی: «بدون شک بعضی از زنان و فرزندان شما دشمن شما هستند».
حدیث شماره ۵۰۹۶.

بریده‌ای از متن:

فعالیت در رسانه‌های دیداری یکی از حوزه‌های شغلی نوین در جهان معاصر است. این حوزه به دلیل پیچیدگی‌های تولید محتوا و نیاز به کیفیت بالای برنامه‌ها، با نیاز فزاینده‌ای به تیم‌های کاری تخصصی مواجه است، زیرا فعالیت در این عرصه مستلزم حضور گروه‌های متنوعی در زمینه‌هایی همچون تهیه، ویرایش، هماهنگی، کارگردانی و دیگر بخش‌های مرتبط است.

زنان در سراسر جهان به سرعت وارد این حوزه شغلی شده‌اند، و هنگامی که آنان به‌ویژه در عرصه رسانه‌های دیداری حضور یافتند، ناچار شدند تا از تعداد بی‌شماری از خواست‌های خود درگذرند....